

کاربست تجربی نظریه فعالیت‌های روزمره در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان

اکبر علیوردی‌نیا، استاد، گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، ایران*

منا علیمردانی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر نظریه فعالیت‌های روزمره، چرایی وقوع رفتارهای انحرافی را در میان دانشجویان دانشگاه مازندران بررسی و این‌گونه، این نظریه را آزمون تجربی کند. برخلاف بیشتر پژوهش‌هایی که نظریه فعالیت‌های روزمره را درباره قربانیان جرائم و چگونگی قربانی شدن به کار می‌برده‌اند، در پژوهش حاضر، این نظریه برای تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان به کار گرفته شده است. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است. در مجموع، ۳۹۳ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند، به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده و به پرسشنامه پاسخ داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند بین پسران و دختران از لحاظ میزان وقوع رفتارهای انحرافی، تفاوت معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که وقوع رفتارهای انحرافی در بین دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند متغیرهای نظریه فعالیت‌های روزمره به‌خوبی رفتارهای انحرافی را در میان دانشجویان تبیین می‌کنند. نتایج حاصل از تحلیل‌های رگرسیونی نشان دادند متغیرهای این پژوهش، ۴۴ درصد از تغییرات رفتارهای انحرافی را در میان دانشجویان تبیین می‌کنند. از تمامی متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی، سه متغیر شدت پیوستگی به دوستان بزهکار، فعالیت‌های ساخت‌نیافته و حضور چهره مقتدر، تأثیر معناداری در وقوع رفتارهای انحرافی دانشجویان داشتند. در حالت کلی، نتایج به‌دست‌آمده، گزاره‌های نظریه فعالیت‌های روزمره را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند موقعیت‌ها، نقش بسزایی در وقوع رفتارهای انحرافی دارند و همان‌گونه که نظریه فعالیت‌های روزمره مطرح می‌کند، فعالیت‌های ساخت‌نیافته با همالان در غیاب چهره‌های مقتدر به وقوع رفتارهای انحرافی منجر می‌شوند. کلیدواژه‌ها: رفتارهای انحرافی، شدت پیوستگی به دوستان منحرف، گذراندن اوقات فراغت با خانواده، نظریه فعالیت‌های روزمره

Email: aliverdinia@umz.ac.ir

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۱۱۴۴۷۳۴

Copyright©2017, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/BY-NC-ND/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

مقدمه و بیان مسأله

رفتار انحرافی معمولاً به رفتاری گفته می‌شود که با هنجارها و نقش‌های جامعه مطابقت نمی‌کند (Palmer & Humphrey, 1990: 3)؛ به عبارت دیگر، رفتار انحرافی، رفتاری است که در مقابل هنجارها، ارزش‌ها و عقاید اجتماعی قرار می‌گیرد (Siegel, 2010: 2) و با انتظارات افراد، گروه‌ها و نهادها سازگار نیست (شفرز، ۱۳۸۴: ۲۲۳). گسترش انحراف‌ها ازجمله مسائل متعددی است که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از جوامع کنونی است (حجازی و صالحی، ۱۳۸۵: ۲۲۰). در کنار عوامل مختلفی که به وقوع رفتار انحرافی منجر می‌شوند، عامل سن، یکی از مهم‌ترین عوامل و قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده وقوع رفتار انحرافی دانسته می‌شود، به گونه‌ای که در بین گروه‌ها و اقشار مختلف در جامعه، صرف‌نظر از موقعیت اقتصادی، وضعیت تأهل، نژاد، جنس و ...، جوانان اغلب بیشتر از سایر گروه‌های سنی مرتکب رفتارهای انحرافی می‌شوند (Rossi, 1985: 116)؛ (Siegel, 2010: 52). دوره آغاز بزرگسالی در سنین بین ۱۸ تا ۲۵ سال، زمان شناخت هویت، بی‌ثباتی و گذار است و دوره‌ای است که احتمال تخلف کردن و یا قربانی شدن در آن به اوج خود می‌رسد (Clodfelter et al., 2010: 456). صنعتی شدن جوامع و شهرنشینی نیز فرصت‌های بیشتری را برای وقوع جرم در بین جوانان ایجاد کرده و در مقابل آن واکنش‌های جدیدی به وجود آورده است (Carrabine et al., 2009: 23). بنا بر گفته رابرت اگنیو، اوج فعالیت‌های مجرمانه در دوره جوانی به ویژگی‌های اصلی این دوره در جوامع مدرن و صنعتی ممکن است مربوط باشد؛ زیرا در این تمدن‌ها، بیشترین مسئولیت‌ها و امتیازهای بزرگسالان به جوانان داده می‌شود. همچنین آن‌ها عواملی از قبیل کاهش یافتن نظارت، افزایش یافتن خواسته‌ها و مطالبات اجتماعی و علمی، مشارکت در دنیای اجتماعی بزرگ‌تر، متفاوت‌تر و همسو با همالان، کاهش یافتن توانایی انجام کارها در قالب رفتارهای مشروع و افزایش انگیزه برای حل مشکلات در قالب رفتارهای مجرمانه را تجربه می‌کنند (Siegel, 2010: 53).

سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان داد سهم زیادی از جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که دو گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال (۱۱/۲۰ درصد) و ۲۵ تا ۲۹ سال (۱۱/۵۴ درصد) بیشترین درصد جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱). با توجه به این امر و با توجه به مشغول به تحصیل بودن تعداد زیادی از جوانان در دانشگاه‌ها، بررسی مسائل و مشکلات این گروه از افراد، اهمیت زیادی دارد. بیشتر افراد معتقدند تحصیلات، عامل مهمی در پیشگیری وقوع رفتارهای مجرمانه در بین افراد جامعه است (Miller, 2009: 62)؛ با وجود این، مواردی از گسترش انحراف‌های اجتماعی در این گروه دیده می‌شود که نگرانی‌هایی را در پی داشته است (سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۸۶: ۸۲). مطالعاتی که در این مورد انجام شده است، مؤید وجود رفتار انحرافی در بین دانشجویان است (سرگلزایی و همکاران، ۱۳۸۱؛ بحرینیان و همکاران، ۱۳۸۲؛ سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۸۶؛ پورافکاری و همکاران، ۱۳۹۰؛ علیوردی‌نیا، ۱۳۹۲؛ علیوردی‌نیا و یونسی، ۱۳۹۲؛ علیوردی‌نیا و فهیمی، ۱۳۹۳). برای همه کسانی که به گونه‌ای با دانشجویان سر و کار دارند، لزوم آشنایی با مشکلاتی که در واقع، شالوده بحران‌های رفتاری به‌ویژه رفتارهای انحرافی آنان است، امری ضروری است و هر گونه ناآشنایی با این مسائل ممکن است سبب تشدید واکنش‌های زمینه‌ساز در بروز رفتارهای غیرعادی خطرناکی شود که دامن‌گیر جامعه هم می‌شود (علیوردی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

از آنجایی که انحراف‌ها در ابعاد زیادی تنوع می‌یابد، برای توضیح آن‌ها نظریه واحدی وجود ندارد و برای تبیین آن‌ها از نظریه‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد. ممکن است برای فهمیدن آشکالی از انحراف‌ها، توضیحات خاصی از یک نظریه مفیدتر از سایر توضیحات در دیگر نظریه‌ها باشد و مسأله مد نظر را بهتر بتواند تبیین کند (Palmer, 1990: 28)؛ بنابراین، این پژوهش می‌کوشد با استفاده از نظریه فعالیت‌های روزمره^۱، رفتارهای انحرافی را در میان دانشجویان تبیین و

¹ Routine Activities Theory

همکاران، ۱۳۸۸). علاوه بر آن، بیشتر یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش‌ها، در سطح توصیف باقی مانده‌اند و در موارد اندکی، رفتارهای انحرافی با استفاده از نظریه انحراف‌های اجتماعی تبیین شده است. با بررسی‌های انجام‌شده به نظر می‌رسد به جز دو مقاله‌ای که در حوزه علوم انتظامی و جرم‌شناسی انجام شده است و در آن‌ها صرفاً با استفاده از این نظریه، علل وقوع جرم به صورت توصیفی بررسی شده است، در ایران نه تنها در مطالعه رفتارهای انحرافی دانشجویان؛ در هیچ یک از مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده، از نظریه فعالیت‌های روزمره استفاده نشده است.

بررسی پژوهش‌های خارجی نیز نشان می‌دهد بسیاری از پژوهش‌ها با استفاده از نظریه فعالیت‌های روزمره، قربانی شدن و قربانیان جرائم را بررسی و تبیین کرده‌اند و فقط تعداد اندکی، این نظریه را برای بررسی رفتارهای انحرافی به کار برده‌اند. در چند مورد از پژوهش‌ها، علاوه بر نظریه فعالیت‌های روزمره، نظریاتی از قبیل نظریه خودکنترلی یا نظریه عمومی جرم (Clodfelter et al., 2010; Franklin et al., 2012) و پیوند اجتماعی (Y.Sun & Longazel, 2008; Barnes et al., 2006) نیز استفاده شده‌اند. گفتنی است در بیشتر پژوهش‌های خارجی، جمعیت پژوهش را جوانان تشکیل می‌دهند. در واقع نظریه فعالیت‌های روزمره برای تبیین امور مربوط به جوانان همچون تعیین تأثیر خانواده و همالان در قربانی شدن شدید (Schreck & Fisher, 2004)، تأثیر نحوه گذران اوقات فراغت جوانان در مصرف مواد، انحراف و فعالیت جنسی (Barnes et al., 2006)، اثر متقابل دوستان متخلف و فعالیت‌های روزمره ساخت‌نیافته در تخلف (Svensson, 2010)، نرخ بازداشت جوانان سارق (Pollock et al., 2010) و تخلف شخصی (Miller, 2013) به کار رفته است؛ با وجود این، تعداد اندکی از پژوهش‌ها با استفاده از این نظریه، به دانشجویان و محیط‌های دانشگاهی توجه کرده‌اند (Y.Sun & Longazel, 2008; Cross et al., 2009 & Clodfelter et al., 2010). از میان پژوهش‌های انجام‌شده روی دانشجویان و

بررسی کند. با وجود اینکه نظریه فعالیت‌های روزمره، یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی شناخته می‌شود که در توسعه مطالعه رفتار انحرافی نقش مهمی ایفا کرده است (Osgood et al., 1996)؛ بیشتر در پژوهش‌ها و موضوعاتی به کار رفته است که قربانیان جرایم را بررسی کرده بودند. همچنین با وجود قابلیت بالای نظریه فعالیت‌های روزمره در تبیین و پیش‌بینی وقوع رفتارهای انحرافی و تأیید آن در پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از کشور (Y.Sun & Longazel, 2008; Cross et al., 2009) و Clodfelter et al., 2010) به نظر می‌رسد تا به حال در داخل کشور پژوهشی در زمینه آزمون تجربی نظریه فعالیت‌های روزمره انجام نشده و فقط در موارد اندکی، صرفاً برای توصیف علل وقوع جرم، از این نظریه استفاده شده است؛ از این‌رو، انجام این پژوهش نه تنها ممکن است موجب ارزشیابی یا تأیید اعتبار تجربی این نظریه شود؛ به گونه بهتری ما را در شناخت علل و عوامل مؤثر در بروز رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان و ارائه راهکارهای مؤثر در مبنای نظریه فعالیت‌های روزمره یاری می‌کند.

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد درباره رفتارهای انحرافی دانشجویان، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که در آن‌ها این پدیده علاوه بر رویکرد جامعه‌شناختی، با رویکردهای روان‌شناختی، روان‌پزشکی و پزشکی نیز بررسی شده است. بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد در بیشتر پژوهش‌ها، میزان مصرف مواد، سیگار و الکل، شایع‌ترین رفتار انحرافی در میان دانشجویان شناسایی شده‌اند (سرگلازی، ۱۳۸۱؛ بحرینیان و همکاران، ۱۳۸۲؛ طارمیان و همکاران، ۱۳۸۶؛ سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۸۶؛ سماوی و حسین‌چاری، ۱۳۸۸) و به سایر ابعاد رفتارهای انحرافی کمتر توجه شده است. برخی از پژوهش‌ها نیز به جای بررسی وقوع رفتارهای انحرافی، صرفاً نگرش و گرایش دانشجویان را به رفتارهای انحرافی بررسی کرده‌اند (مثنوی و همکاران، ۱۳۸۴؛ حجازی و صالحی، ۱۳۸۵؛ خدایاری‌فرد و

به این امر، هدف‌های مناسبی را جستجو می‌کنند که بدون محافظان توانمند هستند (Wang, 2002: 557). در بیشتر دیدگاه‌های جرم‌شناسی تنها به عوامل فردی و دلایل تمایل بیشتر به انحراف در برخی افراد و گرایش کمتر برخی به رفتارهای انحرافی توجه شده است. اغلب از تأثیر محیط در رفتار، یعنی ویژگی‌های مهم محیطی، که فرد را به سوی ارتکاب عمل مجرمانه سوق می‌دهد، غفلت می‌شود (فلسون و کلارک، ۱۳۸۸: ۴). برخلاف بیشتر نظریه‌ها و دیدگاه‌های جرم‌شناسی که بر شخصیت فردی مجرمان تمرکز می‌کنند، نظریه فعالیت‌های روزمره، زمینه‌های محیطی‌ای را می‌آزماید که جرائم در آن‌ها رخ می‌دهند. بر اساس این نظریه، افرادی که ما با آن‌ها کنش متقابل داریم، مکانی که در آن عبور و مرور می‌کنیم و فعالیت‌هایی که درگیر آن هستیم، در احتمال و توزیع رفتارهای مجرمانه تأثیر می‌گذارد (Branic, 2014).

کوهن و فلسون معتقدند جرم، باید یک رویداد در نظر گرفته شود که در موقعیت و زمان خاصی روی می‌دهد و افراد و یا اشیاء خاص را درگیر می‌کند (Miller, 2009: 279). کسی بدون فراهم کردن لوازم و اسباب محیطی بزهکاری، نمی‌تواند مرتکب جرم شود، حتی اگر تمایل ارتکاب بزه در او وجود داشته باشد؛ از این رو، «فرصت»، شرط ضروری و عامل بروز جرایم است (فلسون و کلارک، ۱۳۸۸: ۴). اگرچه رابطه برخی از عناصر وقایع مجرمانه در فضا و زمان با نظریه‌های پیشین مثل نظریه‌های بوم‌شناختی و نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و دیگران، تشخیص داده شده است؛ کوهن و فلسون صرفاً جنبه‌های محیطی-اجتماعی وقایع مجرمانه را تعریف نکرده‌اند؛ بلکه با تمرکز بر فعالیت‌های روزمره، مدلی با قدرت تبیینی بالا برای توضیح ماهیت «بوم‌شناختی» جرم عرضه کردند (Miro, 2014).

نظریه فعالیت‌های روزمره، از نظریه آموس هاوولی^۳ (1950) سرچشمه می‌گیرد. نظریه بوم‌شناسی انسانی، جنبه‌های زمانی رفتار انسان در محیط جامعه را بررسی می‌کند. هاوولی، سه

محیط‌های دانشگاهی نیز برخی به وقوع رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان توجهی نداشته‌اند؛ بلکه خطر قربانی شدن افراد را در فضاهای مجازی بررسی کرده‌اند و صرفاً برای انجام پژوهش خود، نمونه‌ای از دانشجویان را انتخاب کرده‌اند (Marcum et al., 2010; Reyns et al., 2011 & Holt & Bossler, 2013).

به‌طور کلی، پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام‌شده روی دانشجویان، نشان‌دهنده طیفی از رفتارهای انحرافی است. با توجه به این قضیه، گفتنی است بررسی رفتار انحرافی در میان دانشجویان، یافتن پاسخ برای چرایی وقوع آن و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از این پدیده، امری مهم و بررسی‌شدنی است. از آنجایی که با بررسی‌های انجام‌شده به نظر می‌رسد در داخل ایران، پژوهشی انجام نشده است که با استفاده از نظریه فعالیت‌های روزمره، رفتارهای انحرافی را تبیین کرده باشد و در خارج از کشور نیز پژوهش‌های اندکی، نظریه فعالیت‌های روزمره را برای بررسی رفتارهای انحرافی به کار برده‌اند؛ پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از این نظریه، رفتار انحرافی دانشجویان را بررسی کند.

مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش، مبتنی بر «نظریه فعالیت‌های روزمره» است. نظریه فعالیت‌های روزمره را برای اولین بار لورنس کوهن^۱ و مارکوس فلسون^۲ برای توضیح افزایش نرخ جرائم در سال‌های 1970 مطرح کردند (Siegel, 2010: 78 & Brown et al., 2010: 172). این نظریه، ترمیم و ویرایش مکتب کلاسیک جرم‌شناسی است (مقیم، ۱۳۹۰: ۱۴۸). نظریه فعالیت‌های روزمره ادعا می‌کند انسان‌ها به‌طور عقلانی، کنش نشان می‌دهند و مرتکب جرم می‌شوند. متخلفان بانگیزه، درباره منفعت و ضرر عمل خود می‌اندیشند و سعی در به حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن زیان خود دارند و با توجه

¹ Lawrence Cohen

² Marcus Felson

³ Amos Hawley

چگونه تغییرات شرایط اجتماعی، فرصت وقوع جرم را تغییر می‌دهد؛ مثلاً با توسعه تکنولوژی در گذر زمان، خیلی از کالاهای ارزشمند، مثل تلویزیون، کامپیوتر و... اندازه و حجم کم یافته‌اند و سرقت آن‌ها بسیار آسان‌تر از گذشته شده است (Branic, 2014). از بعد دیگر نیز توسعه وسایل الکترونیکی از قبیل دوربین‌های مداربسته موجب اقدام‌های پیشگیرانه و کاهش وقایع مجرمانه شده‌اند؛ به‌عنوان مثال، زمانی که دوربین‌های مداربسته برای کنترل سه پارکینگ در دانشگاه سوری استفاده شد، بزهدکاری نه‌تنها در این پارکینگ‌ها؛ در پارکینگ‌های دیگر که با این دوربین‌ها کنترل نمی‌شدند، نیز کاهش یافت. همچنین زمانی که به کتاب‌های کتابخانه دانشگاه ویسکانسین، برچسب‌های الکترونیکی زده شد که با خروج بدون اجازه کتاب‌ها، زنگ هشدار به صدا درمی‌آمد، نه‌تنها سرقت کتاب‌ها؛ دزدی نوارهای ویدئویی و سایر کالاهایی که چنین برچسب‌هایی نداشت نیز کاهش یافت (فلسون و کلارک، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۰).

در این نظریه، کوهن و فلسون بیان می‌کنند حجم و توزیع جرایم غارتگرانه^۱ (جرایم شدید علیه یک شخص و جرمی که در آن یک متجاوز برای دزدیدن مستقیم یک شیء تلاش می‌کند) به‌طور نزدیکی با اثر متقابل سه متغیر: ۱- فراهم بودن هدف‌های مناسب، ۲- نبودن نگاهبانان توانمند و ۳- حضور متخلفان بانگیزه، مرتبط است. حضور این مؤلفه‌ها، احتمال وقوع جرایم غارتگر را افزایش می‌دهد (Sigel, 2010: 78).

هدف مناسب: منظور از هدف مناسب این است که برای مجرم بالقوه باید چیزی با ارزش وجود داشته باشد که ممکن است اموال جذاب و یا روزنه‌ای برای فعالیت‌های احساسی رضایت‌بخش از قبیل بیان خشم و نفرت، پیگیری هیجان و یا انجام فعالیت‌های جنسی و سایر مؤلفه‌ها باشد (Brown et al., 2010: 173).

متخلفان بانگیزه: درباره متخلفان بانگیزه، کوهن و فلسون توضیح می‌دهند که وقوع هر جرم و جنایت موفق، حداقل

جنبه کلیدی فعالیت‌های جمعی انسانی را شناسایی کرد. ریتم (رخداد مجدد طبیعی وقایع)، سرعت (تعداد وقایع در یک دوره معین از زمان) و زمان‌بندی (هماهنگی و تقاطع رفتار در محیط) (Branic, 2014 & Cohen & Felson, 1979: 590). هاولی سرشت فعالیت‌های عادی را بخشی اساسی از زندگی روزمره می‌داند. فعالیت عادی به معنای فعالیت‌های روزمره است که برای برآوردن نیازهای پایه‌ای و اساسی انجام می‌شود. مثال‌های آن شامل کار رسمی، دنبال تفریح‌بودن، محل سکونت یافتن، تربیت فرزند، خرید و خواب، اوقات فراغت و کنش متقابل اجتماعی است. این فعالیت‌های روزمره ممکن است ۱- در منزل، ۲- در مشاغل دور از خانه و ۳- سایر فعالیت‌های دور از خانه رخ بدهد (Cohen & Felson, 1979: 593). زمانی که تغییر اجتماعی، مانع این فعالیت‌های عادی می‌شود یا آن را تغییر می‌دهد، نابسامانی اجتماعی ممکن است روی دهد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۸۶: ۲۴۳). کوهن و فلسون، با توجه به این اصول، نظریه فعالیت‌های روزمره را چشم‌اندازی بوم‌شناختی بر رفتارهای مجرمانه معرفی کردند (Branic, 2014). در واقع، رویکرد فعالیت‌های روزمره، تحلیل‌های جرم‌شناسی بی‌ارتباط به یکدیگر و گوناگون گذشته را در چارچوب واحد مستقلی جمع کرد (Cohen & Felson, 1979: 591).

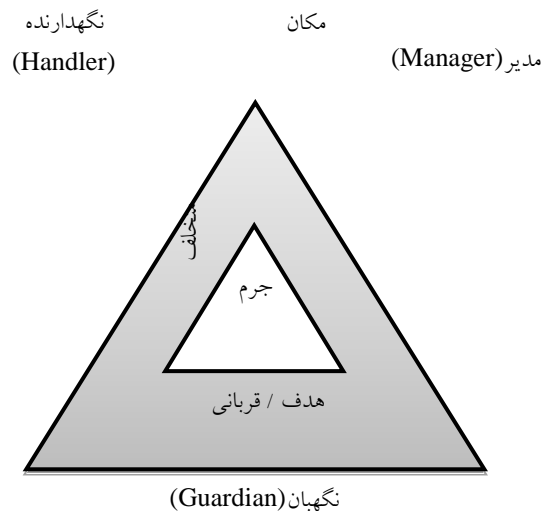
آن‌ها در این نظریه بیان کردند که احتمال وقوع جرم در زمان، با جابه‌جایی مردم در حین انجام فعالیت‌های روزمره هر روزشان تغییر می‌کند؛ یعنی جغرافیای مربوط به این فعالیت‌ها کمک می‌کند ویژگی‌های مربوط به آسیب‌پذیری قربانی و انگیزه متخلف معلوم شود. همچنین نظریه فعالیت‌های روزمره معتقد است جرم در بستر فعالیت‌های معمولی روزمره و به‌طرزی نسبتاً فوری اتفاق می‌افتد که احتمالاً برای مجرم، فضای آشنا یا عادی است (Bruinsma, 2014: 88-700).

کوهن و فلسون به مسأله تغییرات در جامعه به‌ویژه تغییراتی توجه می‌کردند که به نابسامانی اجتماعی منجر می‌شود (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۸۶: ۲۴۴). آن‌ها بیان می‌کنند که

¹ predatory

باشد؛ یعنی سایر افراد جامعه با حضورشان یا درجه مسئولیت نگهداری‌شان ممکن است مانع وقوع جرم شوند (Reyns et al., 2011: 1159).

وقتی این شرایط، در فضا و زمان، همگرا می‌شوند، احتمال دارد جرم رخ دهد و درمقابل، نبود هر یک از این شرایط، وقوع جرم و جنایت را کاهش می‌دهد. درواقع، نظریه فعالیت‌های روزمره، درباره احتمال رفتار مجرمانه بحث می‌کند و ادعای قطعی درباره زمان وقوع جرم و جنایت ارائه نمی‌کند (Branic, 2014). این سه فرضیه اغلب با نام «مثلث جرم» نیز شناخته می‌شوند. شکل این مثلث در زیر آمده است (Miller, 2009: 280).



نیازمند مجرمی است که برای ارتکاب جرم، انگیزه‌ای دارد و به این انگیزه کنش نشان می‌دهد. متخلف با انگیزه، شخصی است که در صورت فراهم بودن فرصت با نبود نگهداری و وجود هدف مناسب، به ارتکاب جرم تمایل دارد (Marcum et al., 2010: 415).

نبود نگهداری توانمند: منظور از نبود نگهداری توانمند این است که نه افراد و نه سایر عوامل حضور ندارند که از اموال و یا از افراد آسیب‌پذیر محافظت کنند. نگهداری توانمند نیز مفهومی گسترده است که پژوهشگران در شکل‌های مختلف و متنوع، آن را مطالعه و تفسیر کرده‌اند. شکل‌های رسمی آن، از قبیل پلیس و سایر شکل‌های قانون، نمادی شناخته‌شده از محافظت در برابر جرم و جنایت و قربانی شدن است. در شکل غیررسمی آن، نگهداری توانمند، شخص غیرنظامی نیز می‌تواند

نگهدارنده: منظور از نگاهدارندگان، افرادی هستند که در مقابل متخلفان بالقوه، کنترل اجتماعی غیررسمی را به کار می‌برند تا از وقوع جرم آن‌ها پیش‌گیری کنند؛ مانند والدینی که بر دور هم بودن اجتماعی نوجوانانشان نظارت می‌کنند، نگهداری مدرسه که چشم از ساختمان مدرسه بر نمی‌دارد و... . نگاهدارندگان، نوعی ارتباط شخصی با متخلفان بالقوه دارند. بهره‌مندی اصلی این افراد در دور نگه داشتن متخلفان بالقوه از

مثلث دورنی، نشان‌دهنده عناصر لازم برای وقوع جرم است. متخلف با انگیزه و هدف مناسب باید در مکان و زمان واحدی قرار بگیرد. مثلث بیرونی، نشان‌دهنده کنترل‌کننده‌های بالقوه - نگهداری‌کنندگان و مدیران - است. برای اینکه جرم رخ بدهد، این عوامل باید غایب و یا بی‌تأثیر باشند. حضور یک کنترل‌کننده مؤثر، از وقوع جرم می‌تواند جلوگیری کند.

جامعه، مشارکت در فعالیت‌های مرسوم است. به قول هیرشی، یک شخص ممکن است به حدی مشغول انجام کارهای مرسوم باشد که فرصتی برای انجام رفتارهای انحرافی پیدا نکند. همچنین در نظریه هیرشی، فعالیت‌های متداول از قبیل کار خانه و فعالیت‌های خانوادگی، امروزه با عنوان «عوامل محافظ» شناخته می‌شوند که از بروز رفتارهای مشکل در جوانان جلوگیری می‌کند. هیرشی بیان کرد که به هر حال، مشارکت در بسیاری از فعالیت‌های مرسوم، ممکن است با انجام کنش‌های انحرافی بی‌ارتباط باشد. بنابر گفته هیرشی این فعالیت‌ها شامل تلویزیون، تفریحات و کار اطراف منزل است. علاوه بر این، آنچه هیرشی، فعالیت‌های اوقات فراغت می‌نامد، از قبیل زمان راه رفتن با دوستان و رانندگی با ماشین در اطراف، در الگوی نظری او به‌طور مثبتی به رفتارهای انحرافی مربوط هستند. به این فعالیت‌ها «عوامل پرمخاطره» گفته می‌شود.

نظریه پردازان فعالیت‌های روزمره با این استدلال که روند افزایش نرخ جرم و جنایت به پراکندگی بستر فعالیت‌های دور از خانواده و افزایش یافتن زمان گذرانده شده با همالان، به‌ویژه در فعالیت‌های نظارت‌نشده مرتبط است، نظریه کنترل اجتماعی را گسترش دادند. فلسون برای ارتباط دادن و یکی کردن رویکرد فعالیت‌های روزمره با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، با گسترش دادن مفهوم نگاهبان توانمند، چهار عنصر نظریه پیوند اجتماعی هیرشی را، که شامل پیوستگی، التزام، مشغولیت و اعتقاد است، در یک مفهوم «نگهداری» خلاصه کرد. نظریه فلسون مبنی بر اینکه یک شخص ممکن است با حضورش در یک مکان، شخص متخلف را منصرف کند یا اینکه ممکن است به دلیل رابطه‌اش با شخص مجرم، مانع تخلف او شود، با نظریه کنترل اجتماعی و این ایده که کنترل، عنصر حیاتی در روند نرخ جرم و جنایت است، انطباق دارد (Miro, 2014). برحسب هر دو نظریه کنترل اجتماعی و فعالیت‌های روزمره، زمان گذرانده شده با خانواده به کاهش رفتارهای انحرافی جوانان منجر می‌شود. مشاهده کاهش زمانی

دردسر است. در واقع، نگاهدارندگان، اشخاصی هستند که رابطه عاطفی با متخلف دارند که ممکن است خانواده، دوستان، مذهب و ... باشد (Miller, 2009: 280).

نگهبان: نگاهبانان نیز از اهداف مناسب در برابر متخلفان مراقبت می‌کنند؛ مانند صاحبان ماشین که وسیله نقلیه خود را قفل کرده‌اند و مراقبان کودکان که بچه‌ها را در محیط‌های عمومی از نزدیک نگاه می‌کنند (Miller, 2009: 280). با عمومیت بخشیدن به نقش نگهبان و نگاهدارنده، ما درمی‌یابیم چنانچه هیچ یک از این چهره‌های مقتدر حاضر نباشند، موقعیت بیشتری برای انحراف به وجود می‌آید (Osgood, 1996: 460).

مدیر: در نهایت، مدیران، مکان‌های خاص را مشاهده و نظارت می‌کنند؛ مانند صاحب مغازه‌ای که دوربین‌های نظارتی نصب یا مالک آپارتمانی که قفل درها را به‌روز می‌کند (Miller, 2009: 280).

ارتباط نظریه فعالیت‌های روزمره با نظریه کنترل اجتماعی و یادگیری اجتماعی و کاربست آن در بررسی رفتارهای انحرافی

نظریه فعالیت‌های روزمره به نوعی با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و نظریه یادگیری اجتماعی مرتبط است. در واقع، گفتنی است نظریه فعالیت‌های روزمره با گسترش دادن مفاهیم این دو نظریه در کنار بررسی قربانی شدن و قربانیان جرائم، قابلیت بررسی رفتارهای انحرافی را نیز پیدا کرده است. در ادامه، ارتباط این نظریه‌ها با یکدیگر بیان خواهد شد.

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بر اساس این تصور است که پیوند اجتماعی، شخص را با جامعه ارتباط می‌دهد. این پیوند، چهار عنصر دارد: پیوستگی، التزام، مشغولیت و اعتقاد (حسینی‌نار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۱۰۵). بر اساس این نظریه، رفتار انحرافی زمانی رخ می‌دهد که تعلقات اشخاص به جامعه مرسوم (برای مثال تحصیلات مدرسه، والدین) ضعیف شود و یا از بین برود. یکی از عناصر کلیدی برای توسعه تعلق به

¹ handle

انحرافی، موجب افزایش ریسک انحراف می‌شود (Svensson, 2010: 1006, 1007, 1011).
 به‌طور کلی، گفتنی است موقعیت‌هایی که به انحراف منجر می‌شوند، به‌طور ویژه در فعالیت‌های جامعه‌پذیری ساخت نیافته با همالان و در نبود چهره‌های مقتدر رخ می‌دهد. نبود ساختار، زمان در دسترس را برای انحراف فراهم می‌کند. حضور همالان، مشارکت در کنش‌های انحرافی را آسان‌تر می‌کند و به ترغیب بیشتر آن‌ها منجر می‌شود و نبود چهره‌های مقتدر، پتانسیل پاسخ‌های کنترل اجتماعی به انحراف را کاهش می‌دهد (Osgood, 1996: 651)؛ از این‌رو، گفتنی است دامنه نظریه فعالیت‌های روزمره به مجرمانی نیز گسترده شده است که می‌کوشند این نکته را تشریح کنند که چه چیزی جرم را تسهیل می‌کند. از‌گود ویلسون و همکاران پیشنهاد کردند جامعه‌پذیری بدون ساختار و بدون نظارت در میان بزرگسالان جوان (عمل عادی) انحراف را ممکن است افزایش دهد. این مسأله به‌دلیل نبود افراد مسئول، کاهش پاسخ‌های کنترلی اجتماعی، زمان‌های کنترل‌نشده در دسترس و افزایش احتمال پاداش برای رفتار مجرمانه روی می‌دهد؛ بنابراین رهیافت فعالیت‌های عادی، که اساساً فقط شامل بزه‌دیدگی می‌شود، اینک نظریه جرم‌زایی نیز هست (ویلیامز و مک‌شی، ۱۳۸۶: ۳۹۳؛ Miller, 2013: 393).

فرضیه‌های پژوهش

- رفتارهای انحرافی، تابع مثبتی از «شدت پیوستگی به دوستان منحرف» است.
- رفتارهای انحرافی، تابع مثبتی از «میزان فعالیت‌های ساخت‌نیافته» است.
- رفتارهای انحرافی، تابعی منفی از «میزان فعالیت‌های ساخت‌یافته» است.
- رفتارهای انحرافی، تابعی منفی از «میزان پیوند اجتماعی» است.
- رفتارهای انحرافی، تابعی منفی از «میزان گذراندن اوقات فراغت با خانواده» است؛ در صورتی که «میزان گذراندن اوقات فراغت به تنهایی» در وقوع رفتارهای انحرافی افراد تأثیری ندارد.

که جوانان اوقاتشان را در خانواده‌ها و محیط خانه می‌گذرانند و افزایش زمانی که در محیط جوانان می‌گذرانند، به‌صورت شواهد کاهش کنترل اجتماعی‌ای مشاهده می‌شود که پدر و مادر بر جوانان اعمال می‌کنند. همچنین کنش اجتماعی متقابل روزمره، در خانواده به این‌گرایش دارد که سرپیچی از هنجارهای اجتماعی را محدود کند، در حالی که هر یک از فرایندهای اجتماعی که نسبت زمان گذرانده‌شده با همالان را افزایش می‌دهند، ممکن است فرصت انحراف را افزایش دهند. این دیدگاه موقعیتی به انحراف، با بیانات هیرشی منطبق است؛ زیرا بر انگیزه‌هایی برای انجام رفتارهای انحرافی تمرکز نمی‌کند و بیشتر بر فرصت‌هایی متمرکز است که در زندگی روزمره، برای انحراف فراهم می‌شود (Barnes et al., 2006: 698-699).

در چارچوب نظریه یادگیری اجتماعی نیز ارتباط بین تخلف و دوستان منحرف دیده شده است که فرض می‌کند دوستان منحرف با انتقال دادن و تقویت کردن هنجارهای انحرافی، چشم‌پوشیدن و تشویق کردن رفتار هنجارشکن، در جوانان اثر می‌گذارند. جوانانی که اغلب اوقات فراغت خود را با دوستانشان سپری می‌کنند، به‌دلیل ارائه راحت‌تر تخلف و تشویق بیشتر دوستان، ریسک انحراف بیشتری دارند. همچنین این دوستان بیشتر به‌صورت الگوهای نقش، انتقال‌دهنده ارزش‌های انحرافی و مشوق (پاداش‌دهنده) رفتار آن‌ها عمل می‌کنند. آگنیو استدلال کرده است از آنجایی که به احتمال زیاد، شخص از گروه تقلید خواهد کرد، چنانچه روابط عاطفی به‌خوبی پرورش یابد، دوستان منحرف بیشتر الگوی نقش جذاب هستند. نظریه فعالیت‌های روزمره نیز تأکید می‌کند که گذراندن زمان در فعالیت‌های روزمره ساخت‌نیافته با دوستان، در نبود چهره‌های مقتدر، ریسک انحراف را افزایش می‌دهد؛ زیرا جوانان اغلب خودشان را در شرایطی می‌یابند که ریسک انحراف را افزایش می‌دهد. نبود چهره‌های مقتدر، سطح کنترل اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ بنابراین فرض می‌شود افزایش مدت زمانی که جوانان با دوستان منحرف خود در فعالیت‌های روزمره ساخت‌نیافته می‌گذرانند، به‌دلیل نبود کنترل اجتماعی عمل کردن دوستان منحرف به‌صورت الگوهای نقش و کمک کردن به مشروع کردن، توجیه‌کردن و تأیید رفتارهای

- رفتارهای انحرافی، تابعی منفی از «میزان حضور چهره‌های مقتدر» است.

روش بررسی

این پژوهش، پیمایشی و از نوع مقطعی است. واحد تحلیل در این پژوهش فرد (دانشجو) و تحلیل در سطح خرد است. داده‌های پژوهش با پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جمعیت آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه مازندران است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند. بر اساس آمار به‌دست‌آمده از اداره آموزش این دانشگاه، جمعیت کل دانشجویان ۱۱۳۷۷ نفر (۷۰۰۸ دختر و ۴۳۶۹ پسر) است. حجم نمونه نیز بر اساس جدول تعیین حجم نمونه دواس تعیین شده است. در این جدول، فهرستی از حجم نمونه مقتضی برحسب درجات مختلفی از دقت آورده شده است (دواس، ۱۳۸۹: ۷۸). بر اساس این جدول، حجم نمونه لازم برای تعمیم به جمعیت پژوهش، برحسب خطای نمونه‌گیری ۵ درصد، ۴۰۰ دانشجو است. با توجه به احتمال مخدوش شدن پرسشنامه‌ها در اثر پاسخ‌ندادن، الگوی یکنواختی در پاسخ‌دهی، پاسخ‌های نامربوط، گم‌شدن پرسشنامه و غیره و برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه، در مجموع ۴۲۰ پرسشنامه توزیع شد. پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش،

در نهایت ۳۹۳ پرسشنامه تجزیه و تحلیل شد.

همچنین به دلیل شرایط ناهمگن و نامتجانس جامعه آماری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم است. مطابق نمونه‌گیری متناسب، ابتدا دانشگاه بر اساس مقوله جنس (دختر و پسر) و دانشکده (علوم انسانی و اجتماعی، علوم اقتصادی و اداری، علوم پایه، فنی و مهندسی، علوم ریاضی، حقوق و علوم سیاسی، شیمی، هنر و معماری، الهیات و معارف اسلامی، تربیت بدنی و علوم ورزشی) به ۲۰ طبقه ناهمپوش ($20 = 10 \times 2$) تقسیم؛ سپس با مشخص کردن سهم دانشجویان هر دانشکده و هر گروه جنسیتی، پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی و در فاصله زمانی بین کلاس‌ها در میان دانشجویان توزیع شده‌اند.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار Spss از روش‌های آماری توصیفی و نیز رگرسیون چندگانه استفاده شده است. طراحی پرسشنامه نیز بر اساس چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش، انجام و اعتبار پرسشنامه با استفاده از روش اعتبار محتوا و اعتبار سازه تعیین شده است. همچنین برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج سنجش پایایی مقیاس‌های پژوهش در جدول زیر نشان داده می‌شوند:

جدول ۱- نتایج آلفای کرونباخ مقیاس‌های پژوهش

متغیر	انحراف استاندارد	تعداد گویه‌ها	میزان آلفای کرونباخ
شدت پیوستگی به دوستان منحرف	۶/۲۹	۱۱	۰/۷۸
فعالیت‌های ساخت‌نیافته	۴/۰۳	۵	۰/۷۸
فعالیت‌های ساخت‌یافته	۳/۷۷	۵	۰/۷۱
گذراندن اوقات فراغت به تنهایی	۳/۹۸	۷	۰/۵۲
پیوند اجتماعی	۶/۷۵	۱۳	۰/۸۳
گذراندن اوقات فراغت با خانواده	۳/۳۳	۵	۰/۷۸
حضور چهره مقتدر	۶/۵۹	۷	۰/۸۸
رفتارهای انحرافی	۷/۳۱	۲۰	۰/۸۰

رفتارهای انحرافی^۱: درباره رفتارهای انحرافی، تعریف‌های متعددی وجود دارد و تعریف مشخص و دقیقی برای آن بیان

تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

در فرضیه‌های پژوهش از هشت مفهوم اصلی زیر استفاده شده است:

¹ Deviant Behaviors

استفاده شده است که برای سنجش رفتارهای انحرافی تدوین کرده‌اند. علی‌وردی‌نیا و یونسی برای سنجش رفتارهای انحرافی چهار عامل «مصرف مواد مخدر، مشروبات الکلی، روانگردان‌ها و انحراف جنسی»، «وندالیسم و سرقت»، «تقلب» و «پرخاشگری» را در قالب ۲۱ گویه مطرح کرده‌اند (علی‌وردی‌نیا و یونسی، ۱۳۹۴: ۵۶). گفتنی است در پژوهش حاضر، یکی از گویه‌های مربوط به انحراف جنسی (گویه رفتن به مهمانی‌های دوستانه (غیرخانوادگی)) به دلیل همپوشانی با مقیاس فعالیت‌های ساخت‌نیافته حذف شده است.

نشده است. گیدنز، کچ‌روی را ناهمنوایی با مجموعه هنجارهای معینی تعریف می‌کند که شمار زیادی از افراد یک اجتماع یا جامعه پذیرفته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۹۴). بر اساس تعریف دائرةالمعارف علوم اجتماعی، رفتارهای انحرافی به مثابه یکی از آسیب‌های اجتماعی است که از فرد سر می‌زند، کارکرد وی را مختل می‌کند و به تبع آن کارکرد خانواده و جامعه را تحت شعاع قرار می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۷۰). در این پژوهش، برای سنجش عملی مفهوم رفتارهای انحرافی، که متغیر وابسته است، از مقیاس علی‌وردی‌نیا و یونسی (۱۳۹۴)

جدول ۲- مقیاس‌های سنجش متغیر وابسته رفتارهای انحرافی (علی‌وردی‌نیا و یونسی، ۱۳۹۴)

متغیر وابسته	ابعاد	گویه
مصرف مواد مخدر، روانگردان و الکل	مصرف مواد مخدر، روانگردان و الکل	در ۳۰ روز گذشته پیش آمده است که سیگار کشیده‌ام.
		در ۳۰ روز گذشته پیش آمده است که قلیان کشیده‌ام.
		تا به حال پیش آمده است مواد مخدر (تریاک، هروئین، حشیش و ...) مصرف کرده باشم.
وندالیسم	وندالیسم	تا به حال پیش آمده است مشروبات الکلی (شراب، آبجو، ویسکی، ودکا و...) مصرف کرده باشم.
		تا به حال پیش آمده است مواد مخدر، مشروب یا روانگردان به دیگران فروخته‌ام.
		تا به حال پیش آمده است به وسایل دانشگاه آسیب رسانده‌ام.
سرقت	سرقت	تا به حال پیش آمده است از عمد روی دیوارها، صندلی‌ها، اتوبوس و ... نوشته یا نقاشی کرده‌ام.
		تا به حال پیش آمده است چیزی را بدون پرداخت پول از فروشگاه برداشته‌ام.
		تا به حال پیش آمده است بدون اجازه اطرافیانم پول یا وسیله‌های آن‌ها را برداشته‌ام.
تقلب	تقلب	تا به حال پیش آمده است پول یا وسیله‌ای قرض گرفته باشم و به‌عمد آن را پس نداده باشم.
		تا به حال پیش آمده است در تحقیقات علمی و تکالیف کلاسی‌ام چند بار مطلبی را از کتاب، مقاله، سایت‌های اینترنتی استفاده کرده‌ام و به آن ارجاع نداده‌ام.
		تا به حال پیش آمده است به برگه امتحانی بغل‌دستی‌ام نگاه کنم.
پرخاشگری	پرخاشگری	تا به حال پیش آمده است سر جلسه امتحان از روش‌هایی استفاده کرده‌ام (مانند همراه داشتن جواب‌ها، برگه کاغذ، استفاده از تلفن همراه یا هندزفری، عوض کردن برگه امتحان).
		تا به حال پیش آمده است نسبت به اطرافیانم فحاشی کرده‌ام.
		تا به حال پیش آمده است با هم‌اتاقی‌ها و هم‌دانشگاهی‌هایم درگیری فیزیکی داشته‌ام.
انحراف جنسی	انحراف جنسی	تا به حال پیش آمده است با والدین خود درگیری جدی داشته‌ام.
		تا به حال پیش آمده است کسی را به کتک‌زدن تهدید کرده‌ام.
		تا به حال پیش آمده است (بدون ازدواج) رابطه جنسی با جنس مخالف داشته باشم.
		تا به حال پیش آمده است رابطه جنسی با همجنس خود داشته باشم.

محسوب می‌شود، افراد به این علت کچ‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های

شدت پیوستگی با دوستان بزه‌کار: بر اساس نظریه پیوند افتراقی ساترلند، که جزء نظریه‌های یادگیری اجتماعی

پیوستگی شما به دوستانی که رفتارهای زیر را انجام می‌دهند چقدر است؟» و برای پاسخ این پرسش، شش بعد از رفتارهای انحرافی (مصرف مواد مخدر، روانگردان و الکل، وندالیسم، سرقت، تقلب، پرخاشگری، انحراف جنسی) در قالب ۱۱ گویه آورده شده است. پاسخ‌های این گویه‌ها نیز بر مبنای طیف لیکرت در ۵ طیف «هرگز چنین دوستی ندارم، کم، تا حدودی، زیاد و بسیار زیاد» در نظر گرفته شده است.

غیرانحرافی‌شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده‌های کج‌رفتارانه دارند، نسبت به افرادی که ایده‌های هم‌نوایانه دارند (یعنی ارتباط بیشتر آنان با کج‌رفتاران یا ایده‌های کج‌رفتاری) علت اصلی کج‌رفتاری آن‌ها است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۸). در پژوهش حاضر، این متغیر به دلیل همپوشانی نظریه یادگیری اجتماعی با نظریه فعالیت‌های روزمره بررسی شده است. بر اساس این، برای سنجش این متغیر از پاسخگویان پرسیده شده است «شدت

جدول ۳- مقیاس‌های سنجش متغیر شدت پیوستگی

متغیر مستقل	ابعاد	گویه
شدت پیوستگی با دوستان بزرگوار	مصرف	دوستانی که سیگار یا قلیان مصرف می‌کنند.
	مواد، روانگردان و الکل	دوستانی که مواد مخدر (تریاک، هروئین، حشیش و ...) یا روانگردان مصرف می‌کنند.
	وندالیسم	دوستانی که مشروبات الکلی (شراب، آبجو، ویسکی، ودکا و ...) مصرف می‌کنند.
	سرقت	دوستانی که به وسایل دانشگاه آسیب می‌زنند و یا روی دیوارها، صندلی‌ها و ... می‌نویسند یا نقاشی می‌کنند.
	تقلب	دوستانی که پول یا وسایل اطرافیان را بدون اجازه از آن‌ها برمی‌دارند.
	پرخاشگری	دوستانی که از کتاب، مقاله سایت‌های اینترنتی در انجام تحقیقات علمی و تکالیف کلاسی بدون ارجاع (رفرنس) دادن به آن‌ها استفاده می‌کنند.
	انحراف جنسی	دوستانی که در سر جلسه امتحان تقلب می‌کنند.
		دوستانی که نسبت به اطرافیان فحاشی می‌کنند یا دیگران را به کتک‌زدن تهدید می‌کنند.
		دوستانی که درگیری فیزیکی با هم‌اتاقی‌ها و یا هم‌دانشگاهی‌ها دارند.
		دوستانی که رابطه جنسی با جنس مخالف بدون ازدواج با او دارند.
	دوستانی که رابطه جنسی با همجنس خود دارند.	

راحت‌تر می‌کند. فعالیت‌های ساخت‌نیافته، که هیچ دستور کاری برای چگونگی سپری شدن زمان ندارند، به دو دلیل بیشتر به انحراف منجر می‌شوند. اولاً، احتمالاً فعالیت‌هایی که ساخت‌یافته هستند، ممکن است برخی اشخاص را در نقش‌هایی قرار دهند که مسئولیت کنترل اجتماعی را به عهده می‌گیرند. دوماً، فعالیت‌های ساخت‌یافته، فرصت‌های کمتری را برای انحراف عرضه می‌کنند. به‌طور مشخص، یک فرد بدون حداقل یک فرصت برای انجام رفتار انحرافی، در کنش‌های انحرافی نمی‌تواند مشارکت کند. به هر حال، گفته نمی‌شود که گذراندن زمان در فعالیت‌های ساخت‌یافته،

فعالیت‌های ساخت‌نیافته^۱ و ساخت‌یافته^۲: فعالیت‌های ساخت‌نیافته به فعالیت‌هایی گفته می‌شوند که افراد در موقعیت‌هایی بدون حضور چهره‌های مقتدر و در زمان گذران اوقات با دوستانشان انجام می‌دهند و در مقابل، فعالیت‌های ساخت‌یافته به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در حضور چهره‌های مقتدر انجام می‌گیرند. در بسیاری از پژوهش‌ها گفته می‌شود بودن با همالان و قرارگرفتن در موقعیت‌های بالقوه، انجام رفتارهای انحرافی را افزایش می‌دهد و وقوع جرم را

¹ Unstructured activities

² structured activities

نگه‌داشتن شخص از خانه در ساعت‌های پایانی و غیره به جامعه‌پذیری نظارت‌نشده و ساخت‌نیافته‌تر منجر می‌شوند (Osgood et al., 1996: 619-639). برای سنجش عملی این مفاهیم، پنج گویه برای فعالیت‌های ساخت‌نیافته و پنج گویه نیز برای فعالیت‌های ساخت‌یافته طراحی و استفاده شده است. پاسخ‌های این گویه‌ها نیز بر مبنای طیف لیکرت در ۵ طیف «هرگز، به ندرت، برخی اوقات، اغلب اوقات و همیشه» در نظر گرفته شده است. گفتنی است شاخص‌سازی و تدوین این گویه‌ها بر اساس پژوهش‌های تجربی پیشین (Miller, 2013; Osgood, 1996; Y.Sun & Ongazel, 2008 & Barnes et al., 2006) انجام شده است.

انحراف را کاهش می‌دهد. همان‌گونه که هیرشی مطرح کرده است، مشارکت در فعالیت‌های ساخت‌یافته، ممکن است به همان اندازه که موجب کاهش مدت‌زمان گذرانده‌شده در سایر فعالیت‌های مناسب برای انحراف می‌شود، به همان راحتی نیز موجب افزایش آن شود. زمان فعالیت‌های ساخت‌یافته ممکن است دور از کارهای کم‌خطری همچون تماشای تلویزیون یا انجام کارهای خانه گذرانده شود که در وقوع رفتارهای انحرافی تأثیری ندارد. فعالیت‌های فراغت ساخت‌یافته از قبیل مشارکت در کلوب‌ها (باشگاه‌ها) یا ورزش‌ها، به‌طور بالقوه منابعی را فراهم می‌کنند که انحراف را امکان‌پذیر کنند و به‌طور غیرمستقیم با توسعه شبکه‌های دوستی، دور

جدول ۴- مقیاس‌های سنجش متغیرهای فعالیت‌های ساخت‌نیافته، فعالیت‌های ساخت‌یافته

متغیر مستقل	گویه
فعالیت‌های ساخت‌نیافته	دوستانم را در فضاهای غیررسمی (غیر از محیط درس و دانشگاه) ملاقات می‌کنم.
	با دوستانم برای تفریح و سرگرمی به خیابان می‌روم.
	با دوستانم به سینما می‌روم.
فعالیت‌های ساخت‌یافته	با دوستانم به پارتی و یا مهمانی‌های دوستانه (غیرخانوادگی) می‌روم
	بر سر قرارهای عاشقانه می‌روم.
	در انجمن‌های علمی (همایش‌ها، کنفرانس‌ها) فعالیت می‌کنم.
	در انجمن‌های ادبی (کلاس‌های داستان‌نویس و شعر و ...) فعالیت می‌کنم.
	در انجمن‌های مذهبی (هیئت‌های مذهبی، مساجد و ...) فعالیت می‌کنم.
	در تشکل‌های سیاسی (انجمن اسلامی، بسیج و ...) فعالیت می‌کنم.
	در فعالیت‌های ورزشی مشارکت می‌کنم.

درسی در طول یک هفته» به‌صورت یکی از گویه‌های گذراندن اوقات فراغت به‌تنهایی این پرسش مطرح شد: «معمولاً در طول هفته چند ساعت را صرف انجام تکالیف درسی می‌کنید؟» و پاسخ‌ها بر مبنای طیف لیکرت در ۵ طیف «کمتر از یک ساعت، یکی دو ساعت، ۳-۵ ساعت، ۶-۹ ساعت، ۱۰ ساعت و بیشتر» آورده شده است.

گذراندن اوقات فراغت به‌تنهایی^۱: منظور از متغیر گذراندن اوقات فراغت به‌تنهایی، فعالیت‌هایی است که به‌تنهایی انجام می‌شود و تصور می‌شود تأثیری در وقوع رفتارهای انحرافی ندارد. برای سنجش عملی این مفهوم از ۷ گویه استفاده شده است. پاسخ‌های این گویه‌ها نیز بر مبنای طیف لیکرت در ۵ طیف «هرگز، به ندرت، برخی اوقات، اغلب اوقات و همیشه» در نظر گرفته شده است. گفتنی است برای سنجش «تکالیف

¹ Leisure time alone

داشته باشند، کمتر اتفاق می‌افتد درگیر کنش‌هایی شوند که جایگاهشان را به مخاطره می‌اندازد (حسینی‌نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۱۰۵). برای سنجش این مفهوم نیز درکل، از ۷ گویه استفاده شده است. پاسخ گویه‌های این دو بعد بر مبنای طیف لیکرت و در ۵ طیف «کاملاً مخالف، مخالف، نظری ندارم، موافق و کاملاً موافق» آورده شده است.

جدول ۶- مقیاس‌های سنجش متغیر پیوند اجتماعی

متغیر مستقل	عناصر	ابعاد	معرف	گویه
پیوند اجتماعی	پیوستگی	به خانواده	پیوستگی	با اعضای خانواده‌ام رابطه صمیمانه‌ای دارم.
				هنگامی که مشکلی دارم درباره آن با خانواده‌ام می‌توانم صحبت کنم.
پیوند اجتماعی	پیوستگی	به خانواده	پیوستگی	من دوست دارم مانند والدینم باشم.
				از بودن در کنار خانواده احساس لذت می‌کنم.
پیوند اجتماعی	پیوستگی	به خانواده	پیوستگی	در خانه احساس تنهایی می‌کنم.
				از بودن در کنار اعضای خانواده، خاطرات خوبی دارم.
پیوند اجتماعی	پیوستگی	به خانواده	پیوستگی	من به اعضای خانواده خود افتخار می‌کنم.
				من در دانشگاه سخت تلاش می‌کنم.
پیوند اجتماعی	پیوستگی	به خانواده	پیوستگی	ادامه تحصیل در مراتب بالاتر برایم مهم است.
				تلاش دانشگاهی
پیوند اجتماعی	پیوستگی	به خانواده	پیوستگی	گرفتن نمره خوب برایم مهم است.
				تلاش می‌کنم.
پیوند اجتماعی	پیوستگی	به خانواده	پیوستگی	معمولاً زمانی که دروس دانشگاهی‌ام سخت باشد، آن را رها می‌کنم.
				حضرت در کلاس
پیوند اجتماعی	پیوستگی	به خانواده	پیوستگی	برایم مهم است.
				آموزش صحیح برایم مهم است.

جدول ۵- مقیاس‌های سنجش متغیر گذراندن اوقات فراغت به تنهایی

متغیر مستقل	گویه
گذراندن اوقات فراغت به تنهایی	کارهای هنری یا کارهای دستی انجام می‌دهم.
	به خرید می‌روم. تلویزیون تماشا می‌کنم.
گذراندن اوقات فراغت به تنهایی	زمان استراحت خود را به تنهایی می‌گذرانم.
	روزنامه، کتاب یا مجله مطالعه می‌کنم.
گذراندن اوقات فراغت به تنهایی	زمان زیادی را در فضای مجازی می‌گذرانم.
	معمولاً در طول هفته چند ساعت را صرف انجام تکالیف درسی می‌کنید؟

پیوند اجتماعی: نظریه هیرشی بر این ایده تکیه دارد که پیوند موجود میان هر فرد و جامعه او، تفاوت‌های موجود را در زمینه پیروی یا سرپیچی افراد از ارزش‌ها و قواعد کلی جامعه پدید می‌آورد (وایت و هینز، ۱۳۹۲: ۳۰۶). بدون این پیوندهای اجتماعی و بدون حساسیت نسبت به منافع دیگران، فرد آزادانه مرتکب فعالیت‌های انحرافی می‌شود (حسینی‌نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۵). در پژوهش حاضر، به دلیل همپوشانی نظریه پیوند اجتماعی با نظریه فعالیت‌های روزمره، این متغیر بررسی شده است. به دلیل همپوشانی عنصر سوم با متغیر مشارکت در فعالیت‌های ساخت‌یافته و ساخت‌نیافته و ارتباط نداشتن عنصر چهارم با نظریه فعالیت‌های روزمره، در این پژوهش، مفهوم پیوند اجتماعی در دو بعد پیوستگی به خانواده و التزام تحصیلی بررسی می‌شود. پیوستگی به خانواده^۱: میزان پیوندی است که فرد با دیگر افراد مهم برقرار کرده است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۳۵). پذیرش هنجارهای اجتماعی و گسترش آگاهی اجتماعی، مبتنی بر وابستگی و همچنین تحت مراقبت قرار گرفتن از سوی انسان‌های دیگر است (حسینی‌نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۱۰۵). درکل، ۷ گویه برای سنجش و اندازه‌گیری پیوستگی به خانواده در نظر گرفته شده است. التزام تحصیلی^۲: التزام به معنای صرف‌شدن وقت و انرژی فرد در فعالیت‌هایی مانند تحصیل در مدرسه و راه‌ها و هدف‌های گوناگون، اعم از متعارف و غیرمتعارف است (وایت و هینز، ۱۳۹۲: ۳۰۶). اگر افراد به جامعه مرسوم، تعهد قوی

¹ Attachment

² Commitment

اشخاصی است که نقش آن‌ها در یک موقعیت، مسئولیت اعمال کنترل اجتماعی در پاسخ به انحراف را ایفا می‌کند (Osgood, 1996: 460). حضور چهره‌های مقتدر لزوماً فیزیکی نیست و این اعمال کنترل ممکن است با آگاهی‌یافتن از فعالیت‌هایی انجام شود که افراد انجام می‌دهند. همچنین چهره‌های مقتدر برحسب موقعیت متفاوت هستند. در پژوهش حاضر، خانواده به صورت چهره مقتدر مطرح می‌شود. برای سنجش این متغیر از ۷ استفاده شده و پاسخ این گویه‌ها بر مبنای طیف لیکرت در پنج سطح «بسیار کم، کم، تا حدودی، زیاد، بسیار زیاد» طراحی شده است.

جدول ۸- مقیاس‌های سنجش متغیر حضور چهره‌های مقتدر

متغیر مستقل	بعد	گویه
		خانواده من از اینکه در چه روزهایی از هفته کلاس دارم، اطلاع دارند.
		خانواده من از ساعات کلاس‌های من اطلاع دارند.
	حضور	خانواده من می‌دانند من با چه کسانی چهره‌های مقتدر نواده نشست و برخاست می‌کنم.
		خانواده من می‌دانند در طول هفته چه فعالیت‌هایی را انجام می‌دهم.
		خانواده من می‌دانند هنگام بیرون‌بودن از منزل کجا هستم.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش، ۳۸/۴ درصد (۱۵۱ نفر) از پاسخگویان، پسر و ۶۱/۶ درصد (۲۴۲ نفر) از آن‌ها دختر است. میانگین سنی پاسخگویان، ۲۱ سال است و دامنه سنی

گذراندن اوقات فراغت با خانواده^۱: زمان خانواده، زمانی است که بین هر دو والدین و خواهر و برادر جوان، در فعالیت‌های هفته تقسیم می‌شود. گفته می‌شود زمان گذرانده شده با خانواده، عامل محافظی برای تأثیرات منفی زمان گذرانده شده با همالان می‌شود، به گونه‌ای که تأثیر زمان گذرانده شده با همالان در رفتارهای انحرافی در سطوح بالای گذران زمان با خانواده در مقایسه با سطوح پایین گذران زمان با خانواده کاهش خواهد یافت (Barnes, 2006: 699- 701). برای سنجش این متغیر از ۴ گویه استفاده شده و پاسخ‌ها نیز در طیف لیکرت و در ۵ طیف «هرگز، به ندرت، برخی اوقات، اغلب اوقات، همیشه» در نظر گرفته شده است. مبنای سنجش این متغیر، پژوهش بارنس و همکاران (2006) بوده است.

جدول ۷- مقیاس‌های سنجش متغیر گذران اوقات فراغت با خانواده

متغیر مستقل	گویه
	در یک سال گذشته به همراه والدین در جشن‌ها و مراسم‌های خانوادگی شرکت کردم.
	در یک سال گذشته روزهای تعطیل را با خانواده گذرانده‌ام و یا به همراه آن‌ها (نه با دوستان) به مسافرت رفته‌ام.
گذران اوقات فراغت با خانواده	در یک سال گذشته به قصد تفریح کارهایی انجام داده‌ام و یا به مکان‌هایی رفته‌ام.
	در یک سال گذشته، هنگام بودن در منزل، وعده‌های غذایی (نهار و شام) را با خانواده و در کنار آن‌ها خورده‌ام.

حضور چهره‌های مقتدر^۲: منظور از چهره‌های مقتدر،

¹ Family time

² Presence of authority figures

۲۸/۸ درصد (۱۱۳ نفر) از دانشجویان در خوابگاه دولتی، ۱۱/۲ درصد (۴۴ نفر) در منزل اجاره‌ای و ۶/۶ درصد (۲۶ نفر) از آن‌ها در خوابگاه خصوصی سکونت دارند.

توزیع پاسخگویان برحسب میزان رفتارهای انحرافی در این پژوهش برای ساختن متغیر رفتارهای انحرافی، ابتدا ابعاد پنج‌گانهٔ این مقیاس، هم‌ارز و پس از ترکیب شدن، رتبه‌بندی شده‌اند. نتایج این رتبه‌بندی برحسب جنس در جدول زیر ارائه شده‌اند.

پاسخگویان از سن ۱۸ تا ۳۱ سال را در برمی‌گیرد. ۹۲ درصد پاسخگویان (۳۶۰ نفر) در مقطع کارشناسی و ۸ درصد آن‌ها (۳۳ نفر) در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل هستند. همچنین ۸۸ درصد آن‌ها (۳۴۶ نفر) مجرد، ۱۱ درصد آن‌ها (۴۳ نفر) متأهل و ۱ درصد (۴ نفر) طلاق‌گرفته هستند. بیشترین فراوانی محل سکونت دانشجویان، نزد خانواده با ۵۲/۷ درصد (۲۰۷ نفر) و کمترین فراوانی محل سکونت دانشجویان، نزد اقوام با ۰/۸ درصد (۳ نفر) است. همچنین

جدول ۹- توزیع فراوانی و درصدی متغیر رفتارهای انحرافی برحسب جنس

متغیر رفتارهای انحرافی	پسر		دختر		جمع کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
اصلاً	۶	۴	۳۷	۱۵/۳	۴۳	۱۰/۹
کم	۹۵	۶۲/۹	۱۸۱	۷۴/۸	۲۷۶	۷۰/۲
متوسط	۳۲	۲۱/۲	۲۰	۸/۳	۵۲	۱۳/۲
زیاد	۱۸	۱۱/۹	۴	۱/۷	۲۲	۵/۶
جمع	۱۵۱	۱۰۰	۲۴۲	۱۰۰	۳۹۳	۱۰۰

دارند و میزان رفتارهای انحرافی پسران بیشتر از دختران است. نتایج آزمون تفاوت میانگین رفتارهای انحرافی برحسب جنس نیز نشان می‌دهند میانگین رفتارهای انحرافی در بین پسران و دختران به‌طور معناداری تفاوت دارد و پسران بیشتر از دختران درگیر رفتارهای انحرافی می‌شوند.

تحلیل رگرسیونی برای تبیین متغیر وابسته (رفتارهای انحرافی)

در این پژوهش، برای تبیین اثر متغیرهای مستقل، از روش رگرسیون چندگانهٔ جبری (همزمان) استفاده شده است که در آن، تمامی متغیرهای مستقل پژوهش (شدت پیوستگی به

بر اساس جدول ۸ رفتارهای انحرافی بیشتر پاسخگویان، در سطح کم (۷۰/۲ درصد) است که در این میان، سهم دانشجویان دختر ۷۴/۸ درصد و سهم دانشجویان پسر ۶۲/۹ درصد بوده است. میزان رفتارهای انحرافی ۱۳/۲ درصد از پاسخگویان نیز در سطح متوسط قرار دارد که سهم دانشجویان پسر ۲۱/۲ درصد و سهم دانشجویان دختر ۸/۳ درصد است. همچنین میزان رفتارهای انحرافی ۵/۶ درصد از آن‌ها در سطح زیاد است که سهم دانشجویان دختر ۱/۷ و سهم دانشجویان پسر ۱۱/۹ درصد است. تنها ۱۰/۹ درصد از دانشجویان هیچ‌گونه رفتار انحرافی انجام نداده‌اند. در حالت کلی، گفتنی است بیش از نیمی از پاسخگویان، رفتارهای انحرافی کمی

روش همزمان وارد معادله شده‌اند. جدول شماره ۸ مدل تأثیر متغیرهای مستقل را در رفتارهای انحرافی نشان می‌دهد.

دوستان منحرف، فعالیت‌های ساخت‌نیافته، فعالیت‌های ساخت‌یافته، گذراندن اوقات فراغت به تنهایی، پیوند اجتماعی، گذراندن اوقات فراغت با خانواده و حضور چهره مقتدر) با

جدول ۱۰- آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین رفتارهای انحرافی

متغیرها	B	Beta	T	sig	همبستگی		آمار هم خطی		
					مرتبه صفر	تفکیکی	نیمه تفکیکی	ضریب حداقل واریانس	
شدت پیوستگی به دوستان منحرف	۰/۳۳	۰/۴۴	۱۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۵۹	۰/۴۵	۰/۳۸	۰/۷۶	۱/۳۰۸
فعالیت‌های ساخت‌نیافته	۳/۸۸	۰/۲۳	۵/۴۰	۰/۰۰	۰/۴۱	۰/۲۶	۰/۲۰۷	۰/۷۵	۱/۳۱
فعالیت‌های ساخت‌یافته	-۰/۰۶	-۰/۰۰۴	-۰/۰۹	۰/۹۲	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۴	۰/۸۶	۱/۱۵
گذراندن اوقات فراغت به تنهایی	۰/۱۵	۰/۰۰۹	۰/۲۲	۰/۸۲	۰/۱۳	۰/۰۱	۰/۰۰۹	۰/۸۲	۱/۲۱
پیوند اجتماعی	-۰/۱۱	-۰/۰۶۰	-۱/۲۸	۰/۲۰۱	-۰/۲۴	-۰/۰۶	-۰/۴۹	۰/۶۷	۱/۴۷
گذراندن اوقات فراغت با خانواده	-۱/۲۳	-۰/۰۶۳	-۱/۳۷	۰/۱۶	-۰/۱۷	-۰/۰۷	-۰/۰۵۳	۰/۷۱	۱/۴۰۵
حضور چهره مقتدر	-۱/۲۳	-۰/۱۲	-۲/۷۰	۰/۰۰۷	-۰/۳۴	-۰/۱۳	-۰/۱۰۴	۰/۷۰	۱/۴۱
ضریب همبستگی چندگانه		ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده		F		سطح معناداری		
۰/۴۴		۰/۴۲	۴۲/۰۵		۰/۰۰				

ضریب تعدیل، معادل ۳۹/۵ محاسبه شده است که در سطوح بسیار بالای آماری معنادار ($\text{sig}=0/00$) است؛ یعنی متغیرهای مستقل، متغیر وابسته را در جامعه آماری پیش‌بینی کرده‌اند. در میان عوامل معنادار تبیین‌کننده رفتارهای انحرافی، متغیر شدت پیوستگی به دوستان منحرف (بتا = ۰/۴۴) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رفتارهای انحرافی است. بعد از آن به ترتیب، متغیرهای فعالیت‌های ساخت‌نیافته (بتا = ۰/۲۳) و حضور چهره مقتدر (بتا = ۰/۱۲) بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی رفتارهای انحرافی دارند.

بر اساس جدول مذکور، ضریب همبستگی چندگانه (R) متغیرهای مستقل با وابسته معادل ۰/۶۵ محاسبه شده است که نشان می‌دهد از بین متغیرهای فعالیت‌های روزمره، سه متغیر شدت پیوستگی به دوستان بزهدکار، فعالیت‌های ساخت‌نیافته و حضور چهره مقتدر به‌طور همزمان با رفتارهای انحرافی، ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین (R^2) نشان می‌دهد ۴۴ درصد تغییرات رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان با مدل رگرسیونی مذکور تبیین می‌شود و ۵۶ درصد باقی‌مانده به عوامل دیگری متعلق است که در این پژوهش بررسی نشده‌اند. نسبت F مشاهده‌شده، مبنی بر آزمون معنی‌داری

تبیین ابعاد رفتارهای انحرافی بر اساس روش جبری ارائه می‌دهند.

تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین ابعاد رفتارهای انحرافی

داده‌های جدول ۱۰ نتایج تحلیل رگرسیونی چندگانه را برای

جدول ۱۱- آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه برای تبیین ابعاد رفتارهای انحرافی

sig	T	Beta	B	Sig	مقدار F	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه	متغیرهای مستقل	ابعاد متغیر وابسته
۰/۰۰	۶/۶۳	۰/۳۲	۰/۰۵۳					شدت پیوستگی به دوستان منحرف	مصرف مواد مخدر، روانگردان و الکل
۰/۰۰	۳/۶۱	۰/۱۷	۰/۶۲					فعالیت‌های ساخت‌نیافته	
۰/۰۰۵	۱/۸۹	۰/۰۹۸	۰/۰۴	۰/۰۰	۲۳/۷	۰/۳۰	۰/۵۴	پیوند اجتماعی	
۰/۰۰	-۳/۸۳	-۰/۱۸	-۰/۸۰					گذراندن اوقات فراغت با خانواده	
۰/۰۰	-۳/۸۹	-۰/۱۹۵	-۰/۴۲					حضور چهرهٔ مقتدر	
۰/۰۰	۵/۰۱	۰/۲۷	۰/۰۴۳					شدت پیوستگی به دوستان منحرف	
۰/۰۰۹	۲/۶۲	-۰/۱۵	-۰/۰۶	۰/۰۰	۷/۴۱	۰/۱۱	۰/۳۴	پیوند اجتماعی	وندالیسم
۰/۰۰۵	۱/۹۰	۰/۱۰	۰/۴۴					گذراندن اوقات فراغت با خانواده	
۰/۰۰۳	۲/۱۷	۰/۱۲	۰/۰۲۱	۰/۰۰	۴/۵۶	۰/۰۷	۰/۲۷	شدت پیوستگی به دوستان منحرف	سرقت
۰/۰۰	۶/۸۲	۰/۳۳	۰/۰۹۷					شدت پیوستگی به دوستان منحرف	
۰/۰۰	۴/۸۸	۰/۲۴۵	۱/۵۲	۰/۰۰	۲۱/۹	۰/۲۸	۰/۵۳	فعالیت‌های ساخت‌نیافته	تقلب
۰/۰۱	-۲/۴۰	-۰/۱۲	-۰/۴۷					حضور چهرهٔ مقتدر	
۰/۰۰	۶/۳۳	۰/۳۱	۰/۶۹					شدت پیوستگی به دوستان منحرف	
۰/۰۰	۴/۳۰	۰/۲۱	۱/۰۲	۰/۰۰	۲۱/۹	۰/۲۸	۰/۵۳	فعالیت‌های ساخت‌نیافته	پرخاشگری
۰/۰۱	-۲/۴۲	-۰/۱۲	-۰/۷۲					گذراندن اوقات فراغت با خانواده	
۰/۰۰۴	-۲/۰۳	-۰/۱۰	-۰/۳۰					حضور چهرهٔ مقتدر	
۰/۰۰	۵/۶۹	۰/۳۰	۰/۰۴۸					شدت پیوستگی به دوستان منحرف	
۰/۰۰۴	۲/۰۴	۰/۱۱	۰/۳۷	۰/۰۰	۹/۷۲	۰/۱۵	۰/۳۸	فعالیت‌های ساخت‌نیافته	انحراف جنسی
۰/۰۰۸	-۲/۶۸	-۰/۱۵	-۰/۶۲					گذراندن اوقات فراغت با خانواده	

می‌دهند متغیرهای مستقل با بعد «مصرف مواد مخدر،

داده‌های جدول و مقایسهٔ ابعاد رفتارهای انحرافی نیز نشان

فرضیه پژوهش نیز به شرح زیر است:

فرضیه شماره یک، که بر تأثیر مستقیم شدت پیوستگی به دوستان منحرف در رفتارهای انحرافی دلالت داشت، تأیید شد. به عقیده ساترلند، افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیرانحرافی‌شان است. افراد با همنشینی با کسانی منحرف می‌شوند که حامل هنجارهای مجرمانه هستند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۰۴). به نظر ساترلند، رفتار تبه‌کارانه بیشتر درون گروه‌های نخستین، به‌ویژه گروه همالان فراگرفته می‌شود. هرچه تماس فرد با چنین افرادی زودتر آغاز شود (سن افراد)، تکرار تماس به دفعات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت)، ارتباط نزدیک‌تر و عمیق‌تر باشد (عمق معاشرت) و مدت این معاشرت‌ها طولانی‌تر باشد (مدت زمان معاشرت) به همان نسبت، احتمال مجرم شدن فرد بیشتر است (حسینی‌نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۹۲). نتایج به دست آمده پس از تحلیل نشان می‌دهند متغیر شدت پیوستگی به دوستان منحرف، علاوه بر تأثیر مستقیم و معناداری که در رفتارهای انحرافی دارد، مهم‌ترین و قوی‌ترین متغیر در پیش‌بینی رفتارهای انحرافی دانشجویان است.

فرضیه شماره دو، که بر تأثیر مستقیم میزان فعالیت‌های ساخت‌نیافته در رفتارهای انحرافی دلالت داشت، تأیید شد. از گود و همکارانش بیان کردند فرصت‌های انحراف ممکن است به‌طور خاص در جامعه‌پذیری غیررسمی و نظارت‌نشده با همالان به وجود بیاید. آن‌ها همچنین بیان کردند با توجه به اینکه هیچ یک از چهره‌های مقتدر برای اعمال کنترل اجتماعی در پاسخ به انحراف، حضور ندارد، چنین موقعیت‌هایی با همالان، بیشتر به وقوع انحراف منجر می‌شود (Barnes et al., 2006: 700). تحقیقات تجربی پیشین (Svensson, 2010; Barnes et al., 2006; Y.Sun & Longazel, 2008; Osgood et al., 1996 & Miller, 2013) نیز رابطه مستقیم و مثبتی میان فعالیت‌های ساخت‌نیافته و رفتارهای انحرافی نشان می‌دهند؛ به‌عنوان مثال، سون‌سون و ابرویتلر (2010) در پژوهشی که روی نمونه‌ای از جوانان سوئد و آلمان انجام دادند، دریافتند تأثیر دوستان منحرف در تخلف، مشروط به مدت زمانی است

روانگردان و الکل» بیشتر از سایر ابعاد رفتارهای انحرافی همبستگی دارند و این بعد را بهتر از سایر ابعاد رفتارهای انحرافی توضیح می‌دهند، به‌گونه‌ای که متغیرهای مستقل، بیشترین تغییرات متغیر وابسته را در بعد «مصرف مواد مخدر، روانگردان و الکل» با ضریب تعیین ۳۰ درصد پیش‌بینی کرده‌اند. همچنین گفتنی است متغیرهای مستقل با بعد «سرق» کمتر از سایر ابعاد رفتارهای انحرافی همبستگی دارند و کمترین تبیین برای تغییرات متغیر وابسته را با ضریب تعیین ۷ درصد، در این بعد انجام داده‌اند.

بحث و نتیجه

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانشجویان با استفاده از نظریه فعالیت‌های روزمره بوده است. برای دستیابی به این هدف، رفتارهای انحرافی از منظر این نظریه بررسی و تبیین شده‌اند. برای سنجش نظریه فعالیت‌های روزمره، هفت متغیر در نظر گرفته شد و با در نظر گرفتن شش فرضیه، هر یک از این متغیرها به‌طور جداگانه بررسی شده‌اند. برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل در رفتارهای انحرافی، از تحلیل رگرسیونی چندگانه رفتارهای انحرافی و ابعاد آن استفاده شده است. تحلیل‌های رگرسیونی چندگانه رفتارهای انحرافی نشان می‌دهند از هفت متغیر شدت پیوستگی به دوستان منحرف، فعالیت‌های ساخت‌نیافته، فعالیت‌های ساخت‌یافته، گذراندن اوقات فراغت به‌تنهایی، پیوند اجتماعی، گذراندن اوقات فراغت با خانواده و حضور چهره مقتدر، سه متغیر مد نظر (شدت پیوستگی به دوستان منحرف، فعالیت‌های ساخت‌نیافته و حضور چهره مقتدر) معنادار بوده‌اند و متغیرهای مستقل، به‌طور همزمان ۴۴ درصد از تغییرات متغیر رفتارهای انحرافی را تبیین کردند. نتایج حاصل از تحلیل‌های رگرسیونی چندگانه ابعاد رفتارهای انحرافی نیز نشان داده‌اند از میان تمامی متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی، «شدت پیوستگی به دوستان منحرف» تنها متغیری بوده است که با تمام ابعاد رفتارهای انحرافی، ارتباط مستقیم و معناداری داشته است. نتایج حاصل از آزمون شش

پژوهش‌ها این فعالیت‌ها، رابطه معنادار با رفتارهای انحرافی نداشتند (Y.Sun & Longazel, 2008). نتایج پژوهش حاضر نیز هیچ رابطه‌ای را بین میزان فعالیت‌های ساخت‌یافته و رفتارهای انحرافی بیان نمی‌کنند. نتایج تجربی متناقض به دست آمده، درباره فعالیت‌های ساخت‌یافته، با بیانات هیرشی هم‌پسند هستند. به اعتقاد هیرشی، مشارکت در فعالیت‌های ساخت‌یافته ممکن است به همان اندازه که موجب کاهش مدت‌زمان گذرانده شده در سایر فعالیت‌هایی شود، که برای انحراف مناسب هستند، به همان راحتی نیز به افزایش آن منجر شود. زمان فعالیت‌های ساخت‌یافته ممکن است فراتر از کارهای کم‌خطر گذرانده شود. فعالیت‌های اوقات فراغت ساخت‌یافته از قبیل مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، به‌طور بالقوه منابعی را می‌تواند فراهم کند که انحراف را امکان‌پذیر کند و به‌طور غیرمستقیم با توسعه دادن شبکه‌های دوستی، دور نگه داشتن شخص از خانه در ساعت‌های پایانی و غیره به جامعه‌پذیری نظارت‌نشده و ساخت‌نیافته‌تر منجر شود (Osgood et al., 1996: 461).

فرضیه شماره چهار نیز بر تأثیر منفی میزان پیوند اجتماعی در رفتارهای انحرافی دلالت داشت. این فرضیه در حالت کلی تأیید نشد؛ اما هنگامی که متغیرهای مستقل پژوهش به‌طور جداگانه در هر یک از ابعاد رفتارهای انحرافی بررسی شدند، متغیر پیوند اجتماعی در دو بعد «مصرف مواد مخدر، روانگردان و الکل» و «وندالیسم» معنادار بود و تأیید شد. بر اساس گفته هیرشی، زمانی که تعلق یک شخص به جامعه ضعیف شود، احتمال دارد کنش‌های انحرافی رخ بدهند. رفتار انحرافی زمانی رخ می‌دهد که تعلقات اشخاص به جامعه مرسوم (برای مثال تحصیلات مدرسه، والدین) ضعیف شود و یا از بین برود (Barnes et al., 2006: 698).

فرضیه شماره پنج بر این امر دلالت داشت که گذراندن اوقات فراغت با خانواده، تأثیر منفی در رفتارهای انحرافی دارد؛ در صورتی که میزان گذراندن اوقات فراغت به‌تنهایی، تأثیری در وقوع رفتارهای انحرافی ندارد. بخش اول این فرضیه یعنی گذراندن اوقات فراغت با خانواده در حالت کلی

که آن‌ها در فعالیت‌های روزمره ساخت‌نیافته می‌گذرانند. در واقع، دوستان منحرف در جوانانی که اغلب اوقات فراغتشان را در فعالیت‌های روزمره ساخت‌نیافته می‌گذرانند، تأثیر بیشتری می‌گذارند. ایوان‌سان و لانگزل (2006) نیز با آزمون نظریه فعالیت‌های روزمره در یکی از دانشگاه‌های امریکا دریافتند، دانشجویانی که مدت‌زمان بیشتری را در فعالیت‌های ساخت‌یافته می‌گذرانند، احتمال بیشتری دارد مشروب مصرف کنند. به‌علاوه اشخاص متعددی به سبک زندگی‌ای که فعالیت‌های ساخت‌نیافته، از قبیل پارتی رفتن را تأیید می‌کند، بیشتر احتمال دارد در رفتارهای منفی مربوط به مصرف الکل درگیر شوند. در حالت کلی، نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهند دوستان منحرف تا حد زیادی، بیشتر در پیدایش جرم درگیر می‌شوند، اگر جوانان مدت‌زمان زیادی را در فعالیت‌های روزمره ساخت‌نیافته بگذرانند. اشخاصی که مدت بیشتری را با دوستانشان سپری می‌کنند، بیشتر در رفتارهای انحرافی مشارکت می‌کنند. گفته نمی‌شود حضور همالان، شرط ضروری برای وقوع رفتار انحرافی است؛ اما گفته می‌شود گذراندن زمان بیشتر با همالان، شخص را در معرض انگیزه‌های موقعیتی بیشتر برای انجام رفتارهای انحرافی قرار می‌دهد و به نرخ بالاتر انحراف منجر می‌شود (Osgood, 1996).

فرضیه شماره سه، که بر تأثیر منفی میزان فعالیت‌های ساخت‌یافته در رفتارهای انحرافی دلالت داشت، تأیید نشد. بر اساس نظریه کنترل هیرشی و نظریه فعالیت‌های روزمره تصور می‌شود مشارکت در فعالیت‌های ساخت‌یافته به کاهش رفتارهای انحرافی منجر می‌شود. به اعتقاد هیرشی، شخصی که بیشتر درگیر فعالیت‌های رایج است، زمان کمی برای مشارکت در کنش‌های مجرمانه دارد (Y.Sun & Longazel, 2008: 555). در پژوهش‌های پیشین، نتایج متناقضی از وجود رابطه بین برخی از فعالیت‌های ساخت‌یافته و رفتارهای انحرافی به دست آمده است، به‌گونه‌ای که در برخی از پژوهش‌ها، فعالیت‌های ساخت‌یافته، رابطه معناداری با رفتارهای انحرافی داشتند (Osgood et al., 1996) و در برخی از

فرضیه شماره شش نیز، که بر تأثیر منفی و معکوس حضور چهره مقتدر در رفتارهای انحرافی دلالت دارد، تأیید نشد. نظریه فعالیت‌های روزمره تأکید دارد که گذراندن زمان در فعالیت‌های روزمره ساخت‌نیافته با دوستان، در نبود چهره‌های مقتدر، ریسک انحراف را افزایش می‌دهد (Svensson, 2010:1006). در نظریه فعالیت‌های روزمره کوهن و فلسون، عنصر نهایی لازم برای وقوع جرم، نبود نگاهبان توانمند است. با عمومیت بخشیدن به نقش نگاهبان و نگهدارنده، ما درمی‌یابیم چنانچه هیچ یک از چهره‌های مقتدر حاضر نباشند، یک موقعیت بیشتر برای وقوع رفتارهای انحرافی فراهم است (Osgood et al., 1996:640). ازگود و همکاران (1996) نیز در پژوهش خود، رابطه معناداری بین این دو متغیر یافتند. آن‌ها دریافتند جامعه‌پذیری با همالان به دور از خانه و چهره‌های مقتدر، به‌طور قوی با رفتار انحرافی مرتبط است.

درکل، گفتنی است برخلاف بیشتر پژوهش‌هایی که نظریه فعالیت‌های روزمره را درباره قربانیان جرائم و چگونگی قربانی شدن به کار می‌برده‌اند، در پژوهش حاضر، این نظریه برای تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان به کار گرفته شده است. درواقع، از آنجایی که تاکنون توجه نسبتاً کمی به کاربرد این نظریه در بررسی رفتارهای انحرافی شده است، سعی بر این بوده است که در این پژوهش، نظریه فعالیت‌های روزمره به نوع متفاوتی از سایر اشکال استفاده آن در پژوهش‌های پیشین و برای تبیین رفتار انحرافی به کار گرفته شود، نه نحوه قربانی شدن و قربانیان جرائم. همچنین با نظر به اینکه این نظریه تا به حال، در پژوهش‌های داخلی بررسی و آزمون تجربی نشده است؛ این نظریه برای تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان دانشگاه مازندران به کار گرفته شد. نتایج نشان می‌دهند موقعیت‌ها، نقش بسزایی در وقوع رفتارهای انحرافی دارند و همان‌گونه که نظریه فعالیت‌های روزمره مطرح می‌کند، فعالیت‌های ساخت‌نیافته با همالان در غیاب چهره‌های مقتدر به وقوع رفتارهای انحرافی منجر می‌شوند. درواقع، زمانی که چهره‌های مقتدر حضور ندارند، همالان شخص، او

تأیید نشد؛ اما هنگامی که متغیرهای مستقل پژوهش به‌طور جداگانه در هر یک از ابعاد شش‌گانه رفتارهای انحرافی بررسی شدند، متغیر «گذراندن اوقات فراغت با خانواده» در چهار بعد «مصرف مواد مخدر، روانگردان و الکل»، «وندالیسم»، «پرخاشگری» و «انحراف جنسی» معنادار بود و تأیید شد. برحسب هر دو نظریه کنترل اجتماعی و فعالیت‌های روزمره، زمان گذرانده‌شده با خانواده، باید به کاهش رفتارهای مشکل‌جوانان منتج شود. فرض می‌شود زمان گذرانده‌شده با خانواده همانند سپر محافظی درمقابل تأثیرات منفی زمان گذرانده‌شده با همالان است، به‌گونه‌ای که تأثیر زمان گذرانده‌شده با همالان در وقوع رفتارهای انحرافی، هنگامی که زمان گذرانده‌شده با خانواده در سطوح بالایی قرار دارد، در مقایسه با هنگامی که در سطوح پایین قرار دارد، کاهش خواهد یافت (Barnes et al., 2006: 698- 701). بارنس و همکاران (2006) در پژوهشی که روی رفتارهای انحرافی جوانان ایالات متحده انجام دادند، دریافتند زمان گذرانده‌شده با خانواده و زمان گذرانده‌شده با همالان، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رفتارهای انحرافی جوانان هستند. به‌گونه‌ای که زمان گذرانده‌شده با خانواده، به‌صورت عامل محافظی در برابر همه پنج رفتار انحرافی ذکرشده عمل می‌کند، در حالی که زمان گذرانده‌شده با همالان، عامل مخاطره بسیار مهمی برای همه پنج رفتار انحرافی ذکر شده است.

بخش دوم این فرضیه، یعنی تأثیرنگذاشتن اوقات فراغت به‌تنهایی در وقوع رفتارهای انحرافی نیز تأیید شد. بر اساس نظریه کنترل اجتماعی و فعالیت‌های روزمره، هیچ منطق پیشینی وجود ندارد که فعالیت‌هایی از قبیل زمان‌تنهایی، کارهای خانه یا تماشای تلویزیون، رفتارهای انحرافی را پیش‌بینی کنند (Barnes et al., 2006: 699). در تحقیقات تجربی پیشین (Barnes et al., 2006 & Osgood et al., 1996) نیز به‌جز چند استثناء (انجام تکالیف مدرسه و زمان استراحت در تنهایی) رابطه معناداری بین میزان گذراندن اوقات فراغت به‌تنهایی و رفتارهای انحرافی مشاهده نشده است.

فعالیت‌های ساخت‌نیافته‌ای همچون ملاقات با دوستان در فضاهای غیررسمی، رفتن به سینما با دوستان یا رفتن به خیابان با آن‌ها به قصد تفریح و سرگرمی می‌گذرانند، بهترین استفاده را از زمان خود داشته باشند و از بروز رفتارهای انحرافی در میان خودشان جلوگیری کنند. همچنین با فراهم کردن شرایط و بستر مناسب برای انجام فعالیت‌های ساخت‌یافته و هدایت جوانان به سمت انجام این فعالیت‌ها، وقوع رفتارهای انحرافی در میان جوانان را می‌توان کاهش داد. با توجه به نتایج، گفتنی است یافته‌های این پژوهش با نظریه فعالیت‌های روزمره که بر جنبه‌های موقعیتی گذراندن زمان با دوستان منحرف تأکید دارد، در یک راستا قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، نظریه فعالیت‌های روزمره، توانایی بررسی رفتارهای انحرافی را دارد و نتایج پژوهش حاضر، گزاره‌های این نظریه را تأیید کرده و بر اعتبار تجربی آن افزوده‌اند. البته از آنجایی که نظریه فعالیت‌های روزمره تا به حال در پژوهش‌های داخلی استفاده نشده است و مقیاس‌های به‌کاررفته در این پژوهش را پژوهشگران برای اولین بار در داخل ایران به کار گرفته‌اند؛ پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده صرفاً به مقیاس‌های ساخته‌شده در این پژوهش اکتفا نشود و ساختن مقیاس برای متغیرهای نظریه فعالیت‌های روزمره ادامه پیدا کند. در حالت کلی نیاز است با ساختن مقیاس‌های بیشتر و بهتر برای متغیرهای پژوهش، علاوه بر افزایش پایایی این متغیرها، آن‌ها را به‌شکل گسترده‌تر و همه‌جانبه‌تر سنجش و بررسی کرد. درباره محدودیت‌های پژوهش به‌نبود پیشینه تجربی داخلی و منابع فارسی محدود درباره نظریه فعالیت‌های روزمره، کم‌بودن پژوهش‌هایی که نظریه فعالیت‌های روزمره را برای بررسی رفتارهای انحرافی انتخاب کرده بودند و پژوهشگر را در راستای انجام این پژوهش می‌توانستند یاری رسانند، می‌توان اشاره کرد.

منابع

بحرییان، س.ع.، قانیدی، غ.ح.، یاسمی، م.ت. و ثقه‌الاسلام، ط.

را بیشتر به سمت انجام رفتارهای انحرافی تشویق و ترغیب و به نوعی وقوع کنش‌های انحرافی در بین آنان را آسان‌تر می‌کنند. همان‌گونه که گفته شد یکی از عناصر سه‌گانه نظریه فعالیت‌های روزمره که تأثیر بسزایی در کاهش وقوع رفتارهای انحرافی افراد دارد، «وجود نگرهبان توانمند و چهره‌های مقتدر» است. نگرهبانان توانمند در موقعیت‌های گوناگون، مصادیق متفاوتی پیدا می‌کنند. در اینجا حضور والدین، یکی از مصادیق آن در نظر گرفته می‌شود. با توجه به تأثیر والدین، به‌صورت یکی از عناصر حضور چهره‌های مقتدر در کاهش وقوع رفتارهای انحرافی، باید به این نکته اشاره کرد که والدین با نظارت بیشتر بر فعالیت‌های روزمره فرزندان، از بروز رفتارهای انحرافی در بین آن‌ها می‌توانند جلوگیری کنند. همچنین والدین با ایجاد فضای گفتگو، صمیمیت و اعتماد بین خودشان و فرزندان، روابط دوستانه و نزدیکی با آن‌ها می‌توانند برقرار کنند. این امر موجب می‌شود فرزندان فعالیت‌ها و امور روزمره خود را برای والدین بازگو یا با آن‌ها در این راستا مشورت کنند و این‌گونه، والدین از فعالیت‌های آن‌ها حتی در زمان دوربودن از منزل می‌توانند آگاهی یابند. در کنار والدین، مسئولان دانشگاه نیز به‌عنوان نگرهبانان توانمند، وقوع رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان را می‌توانند کاهش دهند. بر اساس نظریه فعالیت‌های روزمره، افراد اگر بدانند تحت نظارت هستند و دیده می‌شوند، به احتمال زیاد از انجام رفتارهای انحرافی منصرف می‌شوند. بر اساس این، مسئولان دانشگاه با نظارت مستقیم یا با استفاده وسایل الکترونیکی مانند زدن برچسب‌های الکترونیکی به کتاب‌های کتابخانه و یا نصب دوربین‌های مداربسته به‌گونه‌ای که از دید دانشجویان پنهان نباشد و آن‌ها بدانند که دیده می‌شوند، از وقوع رفتارهای انحرافی مانند سرقت، تقلب، وندالیسم و ... در میان آن‌ها می‌توانند بکاهند. علاوه بر حضور نگرهبانان توانمند، «فعالیت‌های ساخت‌نیافته» نیز تأثیر بسزایی در وقوع رفتارهای انحرافی دارند؛ از این‌رو، با آگاهی دادن به جوانان، به آن‌ها می‌توان کمک کرد زمانی را که اوقات فراغت خود را در

- ک.، تهران: نشر نی.
- صدیق سروسستانی، ر. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی* (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- طارمیان، ف.، بوالهروی، ج.، پیروی، ح. و قاضی طباطبایی، م. (۱۳۸۶). «شیوع مصرف مواد در میان دانشجویان شهر تهران»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش ۵۱، ص ۳۴۲-۳۳۵.
- علیوردی‌نیا، ا. (۱۳۹۲). «مطالعه رفتارهای پرخطر دانشجویان از دیدگاه جامعه‌شناختی»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره ۷، ش ۳، ص ۱۵۴-۱۲۳.
- علیوردی‌نیا، ا. و فهیمی، ا. (۱۳۹۳). «تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه پیوند اجتماعی در تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان دختر»، *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۳، ش ۱، ص ۱۹۱-۱۶۵.
- علیوردی‌نیا، ا. و یونسی، ع. (۱۳۹۲). «تأثیر میزان خود‌کنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان»، *مجله راهبرد فرهنگ*، ش ۲۶، ص ۱۱۸-۹۳.
- علیوردی‌نیا، ا. و یونسی، ع. (۱۳۹۴). «پیش‌درآمدی بر ساخت، اعتباریابی و رواسازی مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان»، *مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ش ۴، ص ۵۸-۴۵.
- فلسون، م. و کلارک، ر. (۱۳۸۸). *فرصت و بزهکاری: نگرشی کاربردی برای پیشگیری از بزهکاری*، ترجمه کلانتتری، م. و قزلباش، س.، زنجان: نشر دانش زنجان.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه چاوشیان، ح.، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۱). *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*، تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.
- (۱۳۸۲). «بررسی سوء مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۰-۸۱»، *مجله طب و تزکیه*، ش ۵۳، ص ۷۸-۶۶.
- پورافکاری، ن.، حکیمی‌نیا، ب. و عنایتی، ح. (۱۳۹۰). «مطالعه ارتباط بین آنومی، اقتدارگرایی و تمایل به رفتار انحرافی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه چمران اهواز)»، *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی (علوم اجتماعی)*، س ۱۴، ش ۳۵-۳۴، ص ۹۰-۶۷.
- حجازی، ا. و صالحی، ک. (۱۳۸۵). «عوامل مؤثر در بروز انحرافات اجتماعی از دیدگاه دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)»، *مجله رفاه اجتماعی*، ش ۲۲، ص ۲۳۲-۲۱۹.
- حسینی‌نثار، م. و فیوضات، ا. (۱۳۹۰). *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*، تهران: نشر پژوها، چاپ نخست.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۹). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: نایبی، ه.، تهران: نشر نی، چاپ دوازدهم.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). *دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران: مؤسسه کیهان.
- سراج‌زاده، س.ح. و فیضی، ا. (۱۳۸۶). «عوامل اجتماعی مؤثر در مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۳۱، ص ۱۰۲-۸۱.
- سرگلزایی، م.ح.، بلالی، م.، آزاد، ر.، اردکانی، م.ر. و ثمری، ع.ا. (۱۳۸۱). «مطالعه فراوانی سوء مصرف مواد مخدر و ارتباط آن با وضعیت فردی و خانوادگی دانشجویان پزشکی مشهد»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۳، ش ۹، ص ۲۹۴-۲۸۳.
- سماوی، ع. و حسین چاری، م. (۱۳۸۸). «سوء مصرف مواد مخدر و پایگاه هویت در دانشجویان»، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، س ۵، ش ۲۰، ص ۳۳۱-۳۲۳.
- شفرز، ب. (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه راسخ،

- Assault Victimization", *Journal of Criminal Justice and Behavior*, 39: 1296- 1315.
- Holt, Thomas J. Bossler, Adam M. (2013) "Examining the Relationship between Routine Activities and Malware Infection Indicators", *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 29: 420- 436.
- Marcum, Catherine D. Ricketts, Melissa L. Higgins, George E. (2010) "Assessing Sex Experiences of Online Victimization: An Examination of Adolescent Online Behaviors Using Routine Activity Theory", *Journal of Criminal Justice Review*, 35: 412- 437.
- Miro, Fernando. (2014) *The Encyclopedia of Theoretical Criminology*, Edited by J. Mitchell Miller, Blackwell Publishing Ltd. seen at <http://onlinelibrary.wiley.com>
- Miller, J. Mitchell (Ed). (2009) *21st Century Criminology A Reference Handbook*, USA: SAGE Publications.
- Miller, J. (2013) "Individual Offending, Routine Activities, and Activity Settings: Revisiting the Routine Activity Theory of General Deviance", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 50: 390- 416.
- Osgood, D.Wayne; Wilson, Janet K. O'Malley, Patrick; Bachman, Jeral G. Johnston, Lloyd D. (1996) "Routine Activities And Individual Deviant Behavior", *Journal of American Sociological Review*, 61: 635-655.
- Palmer, Stuart Hunter; Humphrey, John A. (1990) *Deviant Behavior: Patterns, Sources, and Control*, New York: Plenum Press.
- Pollock, Wendi; Joo, Hee-Jong; Lawton, Brian. (2010) "Juvenile Arrest Rates for Burglary: A Routine Activities Approach", *Journal of Criminal Justice*, 38: 572- 579.
- Reyns, Bradford W. Henson, Billy; Fisher, Bonnie S. (2011) "Being Pursued Online: Applying Cyberlifestyle-Routine Activities Theory to Cyberstalking Victimization", *Journal of Criminal Justice and Behavior*, 38: 1149-1169.
- Rossi, Alice S. (1985) *Gender another Life Course*, New York: Aldine de Gruyter.
- Schreck, Christopher J. Fisher, Bonnie S. (2004) "Specifying the Influence of Family and Peers on Violent Victimization: Extending Routine Activities and Lifestyles Theories", *Journal of Interpersonal Violence*, 19: 1021-1041.
- Siegel, Larry J. (2010) *Criminology, Theories, Patterns, and Typologies*, USA: Wadsworth, Cengage learning, tenth edition.
- Svensson, R. (2010) "It's not the Time They Spend, It's what They Do: The Interaction between Delinquent Friends and Unstructured Routine Activity on Delinquency Findings from Two Countries", *Journal of Criminal Justice*, 38: 1059-1131.
- مقیمی، م.، رشیدی، ب. و رحمتی، د. (۱۳۹۰). «علت‌شناسی جرم (نگاهی تحلیلی به پیشگیری پلیسی از جرم با تأکید بر نظریه فعالیت‌های روزمره)»، فصلنامه علمی- پژوهشی *انتظام اجتماعی*، س ۳، ش ۲، ص ۱۵۹-۱۳۱.
- وایت، ر. و هینز، ف. (۱۳۹۲). *جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه سلیمی، ع.، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ویلیامز، ف. و مک‌شین، م. (۱۳۸۶). *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه ملک‌محمدی، ح.ر.، تهران: نشر میزان.
- Barnes, Grace M; Hoffman, Joseph H; Welte, John W; Farrell, Michael P; Dintcheff, Barbara A (2006). "Adolescents' Time Use: Effects on Substance Use, Delinquency and Sexual Activity", *Journal of Youth Adolescence*, 36:697-710.
- Branic, N. (2014) "Routine Activities Theory. In W.G. Jennings (Ed)", *Encyclopedia of Crime & Punishment*, Malden, MA: Wiley-Blackwell. Seen at <https://webfiles.uci.edu>.
- Brown, Stephen E. Esbensen, F. Geis, G. (2010) *Criminology: explaining crime and its context*, Anderson Publishing, 7th Edition.
- Bruinsma, G. Weisburd, D. (Ed). (2014) *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*, Springer Science & Business Media New York.
- Carrabine, E. Cox, P. Lee, M. Plummer, K. South, N. (2009) *Criminology: A Sociological Introduction*, Routledge Publishing, 2nd Edition.
- Clodfelter, Tammatha A. Turner, Michael G. Hartman, Jennifer L. Kuhns, Joseph B. (2010) "Sexual Harassment Victimization During Emerging Adulthood: A Test of Routine Activities Theory and a General Theory of Crime", *Journal of Crime & Delinquency*, 56: 455-481.
- Cohen, L. E. & Felson, M. (1979) "Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach". *American Sociological Review*, 56: 588-608.
- Cross, Jennifer E. Zimmerman, Don; O'Grady, Megan A. (2009) "Residence Hall Room Type and Alcohol Use Among College Students Living on Campus", *Journal of Environment and Behavior*, 41: 583- 603.
- Franklin, Cortney A. Franklin, Travis W. Nobles, Matt R. Kercher, Glen A. (2012) "Assessing the Effect of Routine Activity Theory and Self-Control on Property, Personal and Sexual

-
- 1006-1014.
- Wang, John Z. (2002) "Bank Robberies by an Asian Gang: An Assessment of the Routine Activities Theory", *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*. 46(5): 555-568.
- Y.Sun, Ivan; G. Longazel, J. (2008) "College Students' Alcohol-Related Problems: A Test of Competing Theories", *Journal of Criminal Justice*, 36: 554-562.